

The approach of education in Islamic education centered on the metaphor of the family tree: goals, principles and methods

Seyyediyaser Hakimi¹ | Ahmad Salahshoori² | Irandokht Fayyaz

59

Vol. 31
summer 2023

Research Paper

Received : 09 May 2022
Revised : 01 May 2023
Accepted: 20 September 2023
Published : 23 August 2023
P.P: 273-332

ISSN: 2251-6972
E-ISSN: 2645-5196



Abstract

The purpose of the current research is to present a framework of education as an Islamic education approach; The present research was conducted with the qualitative method of content analysis. In short, guardian education is education that is based on divine guidance and the guidance of divine saints. The main problem of the research is to be able to establish the basis of an Islamic education system based on the Holy Quran and hadiths; which is based on Wilayat because it is the main pillar of Islam. The parable of the family tree in the Holy Qur'an refers to the network of faithful people centered on divine saints, so it seems to be a significant parable for the education of nobles. The research questions are, first of all, what is the definition of guardian education in the Holy Qur'an with the focus of the Shajra Tayyaba verse? Secondly, what are the goals, principles and methods of Islamic education and training based on the meanings of the provincial education system? According to the findings of the research, the education of a noble in the parable of the family tree is a network education that through the connection and heart connection of people to the saints of God as people with two characteristics of vitality and courage; and the acceptance of their leadership has been done; And the negation of the arrogant guardianship will free people from the cultural, economic and political systems of lords and serfs". , the need to be networked and hierarchical in the educational structure and the need for constant education and learning of the general public. The methods of provincial education include dynamism and flexibility, liberating people from material and mental bonds, teaching wisdom and finally cooperation and empathy.

Keywords: Islamic education,,shajare tayebe ,walayi education.

DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.59.11.3

1. Doctoral student of the philosophy of Islamic education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabai University (RA), Tehran, Iran. yaserhakimi@gmail.com
2. Associate Professor, Department of Philosophy of Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabai University (RA), Tehran, Iran. ah.salahshoor@gmail.com.
3. Associate Professor, Department of Philosophy of Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabai University (RA), Tehran, Iran. iranfayyaz@yahoo.com

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.59.11.3

١. طالب دكتوراه في فلسفة التعليم و التربية الإسلامية، كلية علم النفس و العلوم التربوية، جامعة العلامة الطباطبائي (ره)، طهران، إيران.

٢. الكاتب المسول: أستاذ مشارك، قسم فلسفة التعليم و التربية، كلية علم النفس و العلوم التربوية، جامعة العلامة الطباطبائي (ره)، طهران، إيران.
ah.salahshoor@atu.ac.ir

٣. أستاذة مشاركة، قسم فلسفة التعليم و التربية كلية علم النفس و العلوم التربوية، جامعة العلامة الطباطبائي (ره)، طهران، إيران.

المؤلفون

الناشر: جامعة الإمام الحسين (ع)

هذه المقالة متاحة لك بموجب رخصة المشاع الإبداعي (CC BY).





چارچوب رویکرد تعلیم و تربیت ولایی در مکتب امام خمینی بر اساس استعاره قرآنی "شجره طیبه" و الگوی "حکمت - بنیان" لقمان حکیم

سید یاسر حکیمی^۱ | احمد سلحشوری^۲ | ایراندخت فیاض^۳

۵۹

سال سی و یکم
تابستان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۱
تاریخ بازنگری: ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۲۹ شهریور ۱۴۰۲
تاریخ انتشار: ۰۱ شهریور ۱۴۰۲
صص: ۳۳۲-۲۷۳

شاپا چاپ: ۶۹۷۲-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



چکیده

هدف از تحقیق حاضر ارائه چارچوبی از تربیت ولایی به عنوان یک رویکرد تربیت اسلامی است. این تحقیق با روش تحلیل محتوا انجام شده است. از آن جا که امام خمینی به عنوان نظریه پرداز اسلامی ولایت در دوران معاصر مطرح است؛ تحقیق حاضر با جامعه آماری مکتب امام خمینی در تالیفات و بیانات امام، استاد امام و شاگردان امام به گردآوری داده ها پرداخته است و اساس این رویکرد تربیتی را با محتوای تمثیل تربیتی قرآنی شجره طیبه و الگوی تربیتی لقمان حکیم تطبیق نموده است. سوال تحقیق این است که اولاً تعریف تربیت ولایی در دیدگاه مکتب امام خمینی و بر اساس تفاسیر از شجره طیبه و لقمان حکیم چیست؟ دوم این که چارچوب این رویکرد یا نظام تربیتی در پاسخ به سوالات ذیل چه خواهد بود؟ ۱- هدف آموزش، ۲- مبنای آموزشی، ۳- محتوای آموزشی، ۴- مدیریت و عوامل آموزشی، ۵- سازماندهی آموزش، ۶- فضای آموزشی، ۷- عرصه فعالیت آموزش. بر اساس یافته های تحقیق، تربیت ولایی نوعی تربیت فطری مبتنی بر مسئولیت خود و دیگران در ارتباط و اتصال با اولیاء خدا است؛ که از سرپرستی (ولایت) انسان بر خویشتن شروع شده و نهایتاً در مقام ولایت الله (قرب و یا اتصاف به اوصاف خدا) اوج می گیرد. تربیت ولایی در ابعاد اجتماعی خود، در دو بعد عرضی و طولی شامل اخوت و امامت، تجلی اجتماعی پیدا می کند؛ که هدف آن ساختن امت اسلامی است. ایمان و حکمت تشکیل دهنده هدف و محتوای تربیت ولایی هستند. ایمان تجلی عقل به قلب است. حکمت نیز حاصل جوشش دوباره ایمان از قلب مرتبی به زبان و رفتار و فکرش. امامت و اخوت تشکیل دهنده مدیریت و ساختار این رویکرد هستند؛ که مانند تار و پود تشکیل دهنده مسجد و امت اسلامی می باشند. مسجد و امت در ارتباطی جزء به مثابه کل، به منزله محیط و عرصه آموزش تربیت ولایی می شوند.

کلیدواژه ها: تربیت ولایی، ایمان و حکمت، امامت و اخوت، مسجد و امت.

DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.59.11.3

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران

ah.salahshoor@atu.ac.ir

۳. دانشیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

بر اساس آموزه های اسلامی، ولایت به عنوان یکی از ارکان پنج گانه اسلام است که هیچ رکنی به مانند آن و یارای آن نیست. در روایت مشهوری آمده است: "بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: "عَلَى الصَّلَاةِ، وَالزَّكَاةِ، وَالصَّوْمِ، وَالْحَجِّ، وَالْوَلَايَةِ وَكَمَا يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُوَدِّي بِالْوَلَايَةِ" (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۸) از این روایت استفاده می شود که ولایت، رکن رکن اسلام است؛ بنابراین انتظار می رود که در نظام تعلیم و تربیت اسلامی نیز دارای جایگاهی خاص باشد. از سوی دیگر طی قرن گذشته؛ تئوری های اخوت و امامت مسلمین، از سوی مکتب امام خمینی با عناوین مختلف خصوصا تئوری ولایت فقیه مطرح شده است؛ و توانسته است منجر به موفقیت هایی در عرصه های سیاسی و دفاعی خصوصا در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس باشد. بنابراین انتظار می رود؛ مساله ولایت در تعلیم و تربیت نیز به مثابه امور سیاسی و دفاعی تداوم یافته و در ادبیات علمی دنیای اسلام و دنیای علم رایج مطرح شود. دغدغه محققین از این تحقیق تبیین چارچوبی برای رویکرد تربیت ولایتی بر اساس قرائت مکتب امام خمینی از اسلام است؛ چرا که همان طور که عرض شد نظریه ولایت که خود برخاسته از قرآن، حدیث و عقل است؛ نیازمند تداوم در علوم انسانی اسلامی است. بر اساس تفاسیر قرآن و روایات فراوان، ولایت دارای مفهومی شبکه ای و شجره ای و در سایه توحید است، که طبق تحقیقات انجام شده که خواهد آمد؛ تفاسیر متعدد نیز ارتباط آن را بر شجره طیبه در قرآن کریم و الگوهای تربیتی مانند لقمان حکیم تصدیق می کنند در حال حاضر، این مفهوم مهم و اساسی که به عنوان محور و مرکزی در تعالیم ناب اسلامی تلقی می شود؛ چندان در دانش و رشته تعلیم و تربیت اسلامی مورد توجه قشر علمی و نظریه پردازان دانشگاهی و حتی حوزوی نبوده است. همان طور که در پیشینه خواهد آمد؛ موضوع "تربیت ولایتی" تا لحظه تنظیم مقاله حاضر، فقط یک مقاله علمی پژوهشی به ثبت رسیده است؛ (رجوع به میرزامحمدی و رسولی، ۱۳۸۹) که در بخش پیشینه ذکر خواهد شد و سایر تحقیقات ثبت شده بسیار اندک و محدود است و از درگاه های رسمی و بانک های اطلاعاتی قابل رصد نیست. در حال حاضر تعلیم و تربیت به آموزش و پرورش رایج تقلیل داده شده و نظامی مفهومی و به تبع آن سندی برای نظام تعلیم و تربیت کلان کشور که شامل هماهنگی حوزه های علمیه، دانشگاه ها، مدارس، مساجد و

رسانه‌ها باشد ارائه نمی‌شود؛ در حالی که در صورت دقت و تتبع کافی در مبانی غنی اسلامی، چنین نظام دقیق و کلان تربیتی قطعاً مورد انتظار و ممکن است؛ و در غیر این صورت تشتت و افتراق جامعه اسلامی را پراکنده خواهد کرد و خروجی هر یک از این نهادها هیچ هم‌زبانی، هم‌فکری و همکاری با دیگری نخواهد داشت و مانند جهان‌های موازی همواره در شکاف و درگیری و یا بی‌تفاوتی خواهند بود در حالی حاضر سند تعلیم و تربیت کشور تنها سند تحول آموزش و پرورش است؛ (رجوع به: شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰) که مساله آن آموزش و پرورش رسمی کشور است. مساله دیگر نگاه کلان و اصیل به تعلیم و تربیت است؛ که کمتر در کنار همدیگر یافت می‌شود؛ و با توجه به موقعیت جمهوری اسلامی و سرمایه‌گذاری‌های دشمن، هم‌اکنون هم برای کشف و تحقق آن بسیار دیر است. آن‌چه در این تحقیق دنبال می‌شود؛ تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی کشور است که بتواند همه‌فضاها، همه‌سنین و همه‌اقشار را در یک چارچوب اصیل در نظر بگیرد. هرچند این الگوها و طرح‌های کلان می‌تواند راه‌حلی برای نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور هم تلقی شود؛ چرا که برخی مشکلات ممکن است اساساً از حصار کشی دور خود و بسنده نمودن به امکانات حداقلی ریشه گرفته باشد؛ و یا با تقلید از نظامات اجتماعی دیگر باشد که لوازم آن در کشور نیست و ظرفیتهای دیگری به جای آن‌ها وجود دارد؛ بعید نیست با کنار هم آمدن ظرفیتهای نهادهای تربیتی در کنار یکدیگر بر اساس یک راهبرد اصیل دینی و ملی، بسیاری از معضلات نظام آموزش و پرورش رسمی کشور نیز منحل و یا حل شود. سوال اصلی در تحقیق حاضر این است که تعریف تربیت ولایی در مکتب امام خمینی چیست؟ آیا این تعریف با تمثیل شجره طیبه و الگوی تربیتی لقمان در قرآن کریم تطبیق دارد و تأیید می‌شود؟ و چارچوب طرح ریزی آموزشی این رویکرد چیست؟

مبانی نظری

۱. ولایت به عنوان مبناى تربیت

درباره لغت ولایت در «صحاح اللغه» آمده است: الولی به معنای قرب و نزدیک شدن است؛ همچنین می‌گوید: ولیّ ضدّ دشمن است، و از همین معنی تولی استعمال شده است. مولی به آزاد کننده (معتق)، آزاد شده (عتیق)، یاری کننده (ناصر) و همسایه گویند. هر کس امر کسی را متکفل

گردد و از عهده انجام آن برآيد؛ وليّ او خواهد بود. ولايت با کسره واو به معنای حاکم است؛ و ولايت با کسره و با فتحه به معنای نصرت است. در «اقرّب الموارد» آمده است: ولي عبارت است از پيدایش دو چیز به دنبال هم و بدون فاصله. (حسينی طهرانی، ۱۴۲۶: ۱۰) در «مصباح» آمده است که: «وليّ بر وزن فعيل به معنای فاعل است از ماده وليه، يعنی قيام به آن امر نمود و از همين قبيل است: "الله وليّ الّدين آمنوا" بنا بر اين گفته می شود: "المؤمن وليّ الله" (همان: ۱۱) و در «مجمع البحرين» گوید: "أولى الناس بإبراهيم" يعنی أحقّهم به و أقربهم منه، من الولي و هو القرب، يعنی أولى الناس بإبراهيم معنایش احقيّت اوست به او، و نزديکتر بودن اوست از ساير مردم به آن حضرت، زیرا از ماده ولي است؛ که به معنای قرب است. گفتار خداوند تعالی: هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ (با فتحه است، به معنای ربوبيّت، يعنی در آن روز همگی در تحت ولايت خدا درمی آیند و به او ايمان می آورند و از آنچه در دنيا پرستیده اند بيزاری می جویند؛ وليّ و والي هر کسی را گویند که زمام امر دیگری را به دست خود گیرد، و عهده دار آن گردد. (همان: ۱۲) امام خميني در مقام وليّ جامعه در سال ۱۳۵۸ نقش آزادی بخشی ولايت در مبارزه با سلطه از طريق اخوت اسلامی را روشن می کند. "شما ای جنبشهای آزادیبخش؛ و ای گروههای در خط به دست آوردن استقلال و آزادی! باخیزید و ملتهای خود و ملل اسلامی را هشدار دهید که زیر بار ستم رفتن بدتر و قبيحتر از ستمکاری است. و به دولتها اخطار کنید که از زبونی و ذلت، خود را نجات دهند. و به همه تذکر دهید که به اسلام باز آيید و به اخوت اسلامی بگرايید." (امام خميني، ج ۱۲، ۱۳۸۹: ۳۲) عرفای مسلمان (اعم از شيعه و سنی) بیش از همه به جایگاه ولايت (صرف نظر از مصاديق آن) توجه ویژه داشته اند؛ و مریان خود را به عنوان اولياء می شناخته اند. عناوينی مانند پوریای وليّ، شاه نعمت الله وليّ و غيره در تاريخ تربيت اجتماعی صوفیه به کار می رفته است. (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۵: ۹۹-۱۱۰)؛ و یا مثلاً عطار نیشابوری در تذکره الاولياء، امام صادق (ع) را در زمره اولياء نام برده و ایشان را در صدر کتاب خود نام می برد. (عطار نیشابوری، ۲۰۰۶: ۲۶)؛ دکتر اعوانی درباره مولانا جلال الدین رومی معتقدند کتاب مثنوی مولوی، "منطق منظوم ولايت" بوده و ولايت را در سه عنصر عشق، جذب و مرشد می داند. (جلالی، ۱۳۹۷: ۱۳۶) (اعوانی، ۱۳۸۹: ۱) شهید مطهری رابطه استاد شاگردی بين عرفا را ستوده است: "یکی از علل عدم موفقیت در تزکیه نفس این است که تعليم اخلاقی در میان ما به صورت تعليم و تدریس وجود دارد؛ اما به صورت علاج و پزشکی وجود ندارد و گفتیم که تنها در میان

متصوفه احتیاج به مرشد و مربی رسمیت یافته". (مطهری، ج ۲، ۱۳۷۹: ۱۳۲) در علم فقه اسلامی نیز از ولایت پدر و مسئولیتهای تربیتی سخن به میان آمده است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۱۸) آیت الله انصاری شیرازی در صورت کوتاهی والدین در تربیت دینی فرزندان، ولایت آن ها ساقط می شود. (انصاری شیرازی به نقل از سجادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸) در جامعه اسلامی، ولایت طولی و عرضی وجود دارد؛ از ولایت عرضی به ولایت عامه و عمومی نام برده شده و از ولایت طولی به عنوان ولایت خاصه شامل ولایت خدا، پیامبر، ائمه و حاکم نام برده شده است. (اعرافی، ۱۳۹۵: ۸۷، ج ۳۰) و بیشتر مباحث و تجزیه تحلیل ها بر پداگوژی خصوصاً مساله ولایت و حضانت استوار شده است. (همان، ج ۱۷: ۸۳-۸۵) در پداگوژی عناوینی مانند ولایت تنفیذیه به چشم می خورد که مربوط به اجازه ای است که حاکم پس از وفات پدر طفل، جهت حضانت او به مادر اعطا می کند. (همان: ۸۲) در علم کلام یا عقاید اسلامی نیز امام به عنوان ولی امر مطرح است و در جای جای متون اسلامی دیگر نیز یافت می شود که امام دارای وظایف تربیتی مهمی است؛ به طور مثال امیرالمومنین از چهار وظیفه اصلی امام نسبت به مردم سه مورد را به تعلیم و تربیت به معنای خاص آن اختصاص داده است که در سه کلمه نصیحت، تعلیم و تادیب خلاصه شده است. (خطبه ۳۴ نج البلاغه). در اندیشه فارابی، تربیت "آمادگی ای است که حکیم در افراد ایجاد می کند تا صلاحیت ورود به مدینه را پیدا کنند". (مهاجرنیا محسن، ۱۳۸۰: ۱۴۸) به نظر برخی فارابی شناسان، شرایط رئیس مدینه مدنظر او تداعی گر نظریه امامت در شیعه است. (حسینی، ۱۳۸۹: ۲۱۳) در روایت "المومن ولی الله" امام معصوم بر اهمیت مساوات تکیه دارد "حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ أَنْ لَا يَشْبَعُ وَيَجُوعُ... إِنَّ الْمُؤْمِنَ وَلِيُّ اللَّهِ...". (کلینی، ج ۲، ۱۳۶۵: ۱۷۰). اگر تربیت را از منظر ارتباط و اتصال ببینیم طیف معانی ولایت شامل انواع ارتباطات و تعاملات انسانی می شود؛ مانند این که در قرآن کریم تصریح شده است که بعضی از مومنین ولی بعضی دیگر هستند و حتی این طور ترجمه شده است که مومنین ولی همدیگر هستند چرا که دستور دارند یکدیگر را به معروفها امر نموده و از مناهی بازدارند. "وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...". (توبه: ۲۱)

۲. شجره طیبه به عنوان یک تمثیل قرآنی تربیت ولایی

شجره طیبه یکی از کلیدی ترین تمثیلات قرآنی در فهم معارف اسلامی است؛ که معنا و محتوای آن نیاز مند تحقیقات حدیثی و تفسیری است؛ روایتی که مکررا توسط مفسرین درباره این تمثیل شده است؛ درباره ولایت اهل بیت است که در ادامه ذکر خواهد شد. در ابتدای بحث بر سر شجره طیبه، مفسرین به دو گروه تقسیم می شوند. اول کسانی که به دنبال این هستند که بفهمند این درخت خرما است یا انگور و یا زیتون است و یا چیز دیگری است و لذا بحثهای کشاورزی و طبیعی را مطرح می کنند. البته نمی توان منکر بطون مختلف قرآن شد ولی گروه دوم این بحثها را بیهوده دانسته و به دنبال معنای نااشکار و تاویلی آن هستند. از گروه دوم مفسرین، بانو مجتهده نصرت بیگم امین (۱۳۸۶) صاحب تفسیر مخزن العرفان می گوید: اشتغال به سخنان مفسرین (گروه اول) درباره نوع این شجره طیبه، ما را از مقصود معارف قرآنی دور می کند. (بانو امین، ج ۷، بیتا: ۸۴)، علامه شعرانی یکی از مفسرین گروه دوم معتقد است عده ای دنبال این هستند که مجردات و کلیات را با مادیات و جزئیات و تشخصات درک کنند؛ در حالی که چنین چیزی نمی تواند در این باره رهنمون باشد. (شعرانی، ج ۲، ۱۳۸۶: ۷۲۴). دایره المعارف قرآنی (۱۳۸۲) نیز بحثی روش شناختی مطرح نموده و راز حذف "وجه شبه ها" در تمثیلات قرآن را این می داند که زمینه برای توسعه و تعدد در وجود شباهت و تعمیم کارکرد تشبیه برای اهل معنا فراهم شود. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ج ۷، ۱۳۸۲: ۵۴۹) بالاخره عبارت "شجره طیبه" در تفاسیر قرآنی حامی تاویل و تفسیر آن به یک امر معنوی و نااشکار هم نظرات یکسانی ندارند ولی چنانچه خواهد آمد؛ بسیاری از آن تاویل ها، در زیر سایه معنایی کلمه "ولایت" قابل جمع هستند. صاحب تفسیر الواضح و تفسیر ابن قیم، هر دو مومن را شجره طیبه می دانند. (حجازی، ج ۱، ۱۴۱۳: ۴۳)؛ (ابن قیم حوزیه، ۱۴۱۰: ۳۴۳)؛ صاحب تفسیر تاویلات اهل السنه، شجره طیبه را ایمان و حق می داند. (ماتریدی، ج ۶، ۱۴۱۶: ۳۳۷)؛ صاحب تفسیر شواهد التنزیل، بر اساس روایتی از امام باقر (ع) که بسیاری از تفاسیر خصوصا شیعیان در ذیل همین آیه نقل نموده اند؛ این شجره را پنج تن آل عبا (علیهم السلام) می داند و برگهای آن را شیعیان ذکر می کند. (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۵۷)، صاحب دقائق التاویل، صاحب تفسیر خسروی و صاحب تفسیر جامع نیز همین معنا را ذکر می کنند. (حسنی واعظ، ۱۳۸۱: ۳۴۴)؛ (خسروانی، ج ۵، ۱۳۹۰: ۸۵)؛ (بروجردی، ج ۳، ۱۳۶۶: ۴۳۷)؛ صاحب تفسیر

جلاء الاذهان و جلاء الحزان کلمه طیبه را دعوت رسول خدا به ایمان و عمل صالح می‌داند. (جرجانی، ج ۵، ۱۳۷۸: ۱۰۹)؛ صاحب عیون التفاسیر مواردی چون تسبیح، تحمید، استغفار، توبه، اذان و دعوت به حق را مصداق کلمه طیبه می‌داند و برای شجره طیبه معنای مستقلی ذکر نمی‌کند. (سیداسی، ج ۲، ۱۴۲۷: ۲۷۸)، صاحب منهج الصادقین، "دین" را مصداق شجره طیبه می‌داند. (کاشانی، ج ۱۰، ۱: ۶۳)؛ صاحب تفسیر حسینی؛ تحولات قلب عارف از انابه، صفوت، محبت و مودت را شجره طیبه می‌داند. (کاشفی، ۱: ۱۱۴۳)؛ صاحب تفسیر شریف، علمای آل محمد را مصداق شجره طیبه می‌داند. (اشکوری، ج ۴، ۱۳۷۳: ۸۴۰)؛ صاحب تفسیر القرآن الکریم، حکمت ربانی و علوم الهی را شجره طیبه می‌داند. (شحاته، ج ۵، ۱۴۲۱: ۲۳۲). صاحب روح البیان، ثمره شجره طیبه را معرفت، محبت، کشف، شهود، وصول و وصال و کمال می‌داند و درباره اصل آن بیانی ندارد. (حقی برسوی، ج ۳، ۱: ۱۲۴) صاحب گنجینه روایی بحار الانوار، ذیل این آیه به روایاتی اشاره می‌کند؛ که نشان می‌دهد اهل بیت از شجره طیبه و از طینت واحده هستند، فضل و علمشان از خدا است، خلقشان واحد است، علمشان واحد است: کلنا واحد: اولنا محمد، اوسطنا محمد و آخرنا محمد. (مجلسی، ج ۲۵، ۱: ۳۶۵)؛ صاحب تفسیر الصراط المستقیم، شجره نبوت و امامت را شجره طیبه می‌داند. (بروجردی، ج ۳، ۱۴۱۶: ۱۳۸)، صاحب دایره المعارف قرآن، اسلام را که در شرق و غرب عالم منتشر خواهد شد؛ شجره طیبه می‌داند. (مرکز فرهنگ قرآن، ج ۴، ۱۳۸۳: ۲۹۱)؛ فرهنگ موضوعی تفاسیر، سه معنا را برای شجره طیبه محتمل دانسته است: پیامبر و اهل بیت، کلمه توحید و فرد مومن. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم، ج ۲، ۱۳۸۸: ۱۱۰۹)؛ صاحب تفسیر المیزان، ریشه‌های شجره را توحید می‌داند و شاخه‌های آن را عمل صالح می‌داند؛ چرا که عمل صالح ریشه در اعتقادات ناب دارد. (طباطبایی، ج ۱۲، ۱: ۷۲)؛ صاحب المیزان درباره ادامه آیه که به "قول ثابت" اشاره رفته است؛ پایداری بر پیروی و حب اهل بیت را مصداق می‌داند. (طباطبایی: ۹۲) ایشان بر روایت امام باقر (ع) که اهل بیت را شاخه‌ها، و مومنین را برگهای درخت طیبه ذکر نموده نیز صحه گذاشته است. (طباطبایی: ۹۰)؛ ایشان تاکید می‌کند که اهل بیت از مصادیق شجره طیبه اند؛ چرا که عیسی (ع) هم در قرآن به عنوان "کلمه" ذکر شده است. (همان: ۹۰)؛ صاحب تفسیر نمونه، ذیل شجره طیبه بحث مفصلی دارد. مفسر در این کتاب، ابتدا احتمالات معنایی شجره طیبه را برشمرده است: کلمه توحید، اوامر الهی، ایمان، شخص مومن،

روشها و برنامه های سازنده. (مکارم شیرازی، ج ۱۰، بیتا: ۳۳۱) سپس ویژگی هایی را برای این درخت برشمرده است: پویا، در حال رشد و بدون توقف، در تمام ساحتها پاک، بر اساس سنن و قواعد الهی، هرچه شاخه ها بیشتر باشد نیازمند ریشه ای محکم تر، عدم محدودیت شاخه ها، دائمی مولد و مثمر. (همان، ج ۱۰: ۳۳۴) در ادامه می گوید: مردان بزرگ و با ایمان حیاتشان، ممانتشان، مزارشان، کلماتشان، شاگردانشان، کتابهایشان و تاریخشان الهام بخش و تربیت کننده است. لذا منافاتی ندارد که شجره طیبه، اولیاء، حکما و عالمان اهل عمل باشند. (ج ۱۰: ۳۳۴) صاحب تفسیر حکیم، شجره طیبه را رشد و تکامل انسان در آغوش نور عقل، فطرت، وجدان، نبوت، امامت و قرآن می داند. (انصاریان، ج ۵، بیتا: ۱۹۲)، تبدیل انسان به شجره در اثر اتصال به ایمان به خدا و معاد، طهارت فطرت و عقل، میوه های صدق، مهر، محبت، راستی، کرامت، اصالت، شرافت، حقیقت، عدالت و... (ج ۳: ۲۵۱)، صاحب فرهنگ قرآن به نقل از مجمع البیان طبرسی، "کلمه توحید" را شجره طیبه ذکر می کند. (هاشمی رفسنجانی، ج ۵، ۱۳۸۳: ۴۸۰)، صاحب نسیم رحمت، حق و باطل را مصداق شجره طیبه و خبیثه می داند. (دهقان، ج ۱، ۱۳۸۷: ۳۸۱)، صاحب تفسیر ام الکتاب، معتقد است شجره طیبه نزدیکترین فرد به ولایت مطلقه و مظهریت ربانیه و شجره طیبه و لویه است. (منظور: امام علی علیه السلام) (میرجهانی طباطبایی، ۱۳۹۸: ۳۵۱)، صاحب تفسیر الامثل، ایمان مومنین را شجره طیبه ذکر می کند. (مکارم شیرازی، ج ۷، ۱۴۲: ۵۰۳)؛ صاحب تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن، معتقد است شجره طیبه از عالم مادی تا معنوی، از طول تاریخ تا عرض جغرافیا بدون نسخ و تحریف و تزییف، بر آسمان دعاوی است. (صادقی تهرانی، ۱۶، ۱۴۰۶: ۶۹)، صاحب التفسیر القرآنی للقرآن، فرد قائم به خیر و حق را مصداق شجره طیبه می داند. (خطیب، ج ۷، ۱۴۲۴: ۱۸۰)؛ صاحب من هدی القرآن، اعمال صالح مومنین را شجره طیبه می داند؛ که خداوند آن ها را حفظ می کند. (مدرسی، ج ۵، ۱۴۱۹: ۳۱۸)؛ صاحب اطیب البیان، ایمان و وجود پیامبر را شجره طیبه می داند. (طیب، ج ۱، ۱۳۶۹: ۲۶۵)، صاحب تفسیر شعراوی ایمان در قلب مومن را مصداق آن می داند. (شعراوی، ج ۱۲، ۷۴۹۹)؛ صاحب روح توکل نیز ایمان را مصداق آن می داند (مکارم شیرازی، ج ۲، ۱۳۷۷: ۲۸۰)؛ صاحب انوار درخشان می گوید اعتقاد به توحید و فضایل اخلاقی که آثار نیک آن است؛ و نظام بشری بر آن استوار می شود؛ شجره طیبه است. (همدانی، ج ۹، ۱۴۰۴: ۲۹۴). صاحب التفسیر الوسیط به جنبه های زیبایی شناختی توجه کرده

و طیبه بودن شجره را به معنای راحتی، طعم، منظر، شکل، منفعت و لذت همه جانبه آن می‌داند. به نظر وی، نافع بودن از ویژگی های شجره طیبه است. (طنطاوی، ج ۲، ۱۹۹۷: ۱۱۹۴) همان طور که مشاهده می‌شود ایمان و توحید را می‌توان ریشه این شجره و امامت و ولایت را شاخه های آن دانست. میوه های آن نیز شامل عمل صالح، حکمت و علوم الهی خواهد بود.

۳. لقمان حکیم به عنوان یک الگوی قرآنی در تربیت ولایی

لقمان به دلایل مختلف می‌تواند به عنوان یک الگوی "تربیت ولایی و حکمت بنیان" شناخته شود: ۱- معرفت امام: در برخی منابع آمده است امام صادق فرمودند: به لقمان معرفت امام زمانش داده شده بود. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸: ۱۸) ۲- مسئولیت پذیری در تربیت دیگران: فرزند خود را با خطاب بنیّ مورد خطاب قرار می‌دهد و به توصیه های اخلاقی می‌پردازد. (همان: ۳۱) ۳- از اولیاء الهی است و بسیاری از مردم به او مراجعه می‌کنند. وقتی از او پرسیدند سرّ این همه مرید داشتن چیست؟ گفت: فروستن چشم، نگهداری زبان، پاکی خوراک، پاکدامنی، صدق وعده، مهمان نوازی و... (همان: ۲۸) ۴- چندین پیامبر خدا را درک نموده و از آن‌ها بهره برده است به انبیاء نیز اکتفا نکرده و همنشینی با اهل معرفت و عالمان را نیز وظیفه خود می‌داند. (ولاء اثباتی خاص) (همان: ۲۵) ۵- بدون این که مقام نبوت داشته باشد در قرآن کریم به عنوان یک حکیم نام برده می‌شود و تصریح می‌شود که خداوند به او حکمت داده است. (ری شهری، ۱۳۸۸: ۲۱) مضامین اصلی یک روایت دیگر دربار لقمان از این قرار است: ۱- ولایت لقمان بر نفس خود: ژرفی نگاه، احتیاط در کار، شاد نشدن از نعمات دنیوی، غمگین نشدن از لطامات دنیوی، برقرار کردن صلح بین دشمنان، مبارزه با هوس خود، خود درمانی با اندیشه و خطورات قلبی نیک ۲- اتصال لقمان به اولیاء: ارتباط با انبیاء و همنشینی با علما و دانشمندان ۳- حُسن ولایت لقمان نسبت به دیگران: به دنبال نجات مردم بودن و حتی دلسوزی و نجات کسانی که از یاد خدا عموماً غافل می‌شوند مثل پادشاهان و امراء. (همان: ۳۱) همچنین قضاوت صحیح بین مردم به طور خاص از دلایل اعطای حمت به او بوده است. (اشتهاردی، ۱۳۸۰) با توجه به معانی ولایت، اعم از حب، سرپرستی، نصرت، قرب، امامت، اخوت و ایمان، لقمان را می‌توان از مصادیق بارز تربیت ولایی دانست.

برخی معانی اساسی موجود در شجره طیبه و لقمان حکیم، به نص روایات اهل بیت (ع) و به صورت اجمالی و اشاره ای، به عنوان نظامات اجتماعی، حکومتی، دینی و انسانی نام برده شده اند. برخی از این موارد مانند "الإمامة نظام الأمة" (ری شهری، ۱۳۸۹، ۲۲۹)؛ نشان می دهند امامت یک نظام برای جامعه است؛ و یا نقل شده است که: "حُبْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ نِظَامُ الدِّينِ" (ری شهری، ج ۱، ۱۳۷۵: ۲۳۷) و نشان می دهد که حب اولیاء دین نظام دین است و یا نقلی دیگر با مضمون نظام وارگی وجود دارد که به امامت اشاره دارد: "اسْمَعُوا و أَطِيعُوا لِمَنْ وَاوَلَاهُ اللَّهُ الْأَمْرَ، فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ" (همان: ۲۳۵). همچنین خودسازی و اخوت؛ به عنوان نظام دین نام برده شده اند: "نِظَامُ الدِّينِ خِصْلَتَانِ: إِنْصَافُكَ مِنْ نَفْسِكَ وِ مُوَاَسَاةُ إِخْوَانِكَ" (ری شهری ۱۳۹۱، ۲۹۶). درباره ایمان گفته شده است: "الإيمان بالقدر، نظام التوحيد" (همان: ۱۴۰) ایمان به تقدیر الهی نظام توحید است؛ و در نهایت، عقل که منبع اصلی حکمت و معادل آن است؛ به عنوان نظام خودسازی فردی نام برده شده است. "عقل المرء نظامه" (ری شهری، ۱۳۸۹، ۹۸).

پیشینه تحقیق

۱. حکمت و لقمان حکیم

برخی زبان شناسان به طور خاص جان آستین از "کنش گفتار" سخن می گویند به این معنا که بر خلاف نظر پوزیتیویستها، معتقدند زبان فقط کارکرد بیان گزاره های صادق و کاذب را ندارد؛ بلکه گاه زبان، محرک یک عمل است. (بیان عملی و هنجاری). (صیادی نژاد و حسینی باصری، ۱۳۹۶) در همین راستا برخی محققین با در نظر گرفتن این نظریه زبانی به حکمتهای لقمان در قرآن کریم نظر داشته اند مانند: ملا ابراهیمی و تاند (۱۴۰۰) که در تحقیقی با زبان عربی، موضوع تعاملات بین مومنین را بر اساس سوره لقمان با توجه به دیدگاه های پراگماتیسم بررسی نموده اند. ایشان به نظر فیلسوفانی مانند جان دیویی درباره زبان توجه داشته اند که زبان را با فایده عملی اش می نگرند. این فایده عملی از نظر دیویی همانا برانگیختن و حرکت دادن مخاطب برای انجام کاری است. در همین راستا، ایشان نصایح لقمان حکیم را در چهار بخش تقریرات زبانی (اخبار و تشجیع)، التزامات (وعده ها و بشارتها)، طلبها (اوامر و نواهی) و تعبیرات (بیان احساسات و دردها و رنجها) دسته بندی نموده اند و بدست آورده اند که ۵۲ درصد این حکمتهای در قالب طلب

انجام شده است. (ملاابراهیمی و تاند، ۱۴۰۰: ۵۷). همچنین نیک بخش (۱۳۸۹) در تحلیل حکمت‌های سوره لقمان چند اصل را در تربیت اسلامی ذکر نموده است از جمله تاثیر‌گذاری بر شرایط، دل‌بستگی، اندیشه ورزی، تاثیر متقابل ظاهر و باطن بر یکدیگر است. (نیک بخش، ۱۳۸۹: ۱۳۵). همچنین دانش (۱۳۸۹) مهمترین آموزه های تربیتی لقمان در تفکر را توحید و معاد و مهمترین آن ها در روابط اجتماعی را تواضع دانسته است. همچنین از اصول تربیتی اجتماعی مثل امر به معروف و نهی از منکر نام برده است. (دانش، ۱۳۸۹: ۹۱). حیدری (۱۳۸۹) تربیت دینی در آموزه های لقمان را ارتباط با خدا و شناخت معاد دانسته و تربیت اجتماعی را شامل احترام به والدین، امر به معروف و نهی از منکر، صبر و پایداری، مردم داری، فروتنی و اعتدال در بیان و راه رفتن دانسته است. (حیدری، ۱۳۸۹: ۱۶۳) صرفی (۱۳۹۷) با روش تحلیل محتوای کیفی به تبیین انسجام محتوایی سوره لقمان پرداخته است و محور این سوره را "مدح حکمت و چگونگی حصول آن" می‌داند. (صرفی زهرا، ۱۳۹۷: ۸۳). بابائی (۱۳۹۰) در تحقیقی با روش توصیفی و تحلیلی به ارزش حکمت در مقابل سکولاریسم غربی می‌پردازد و آن را بهترین روش علمی برای مقابله با سکولاریسم و ایجاد کارآمدی دنیوی علوم دینی مانند الهیات و اخلاق در عرصه های کلان اجتماعی می‌داند. (بابائی، ۱۳۹۰: ۳۵) بسیاری از محققین سوره لقمان خصوصا فرازهای پندهای لقمان را از مهمترین مضامین تربیتی قرآن کریم دانسته و مقالات مختلفی درباره آن نوشته اند. محمدی اشتهاردی (۱۳۸۰) حکمت‌های لقمان را در ۱۰ عنوان آورده است؛ که می‌توان در ۳ سرفصل خلاصه نمود: ۱- اصول دین: توحید و معاد، ۲- اخلاق اجتماعی: امر به معروف و نهی از منکر ۳- اخلاق فردی: صبر، تواضع، دوری از خودخواهی و اعتدال در راه رفتن و سخن گفتن. (اشتهاردی، ۱۳۸۰: ۵). سجادی و همکاران (۱۳۹۹) توجه به شیوه ها و اصول ولایت الهی را عامل تعادل بخش بین دو نهاد خانواده و نهاد رسمی آموزش و پرورش در تعلیم و تربیت می‌داند. (سجادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۹) صرفی (۱۳۹۸) حکمت را در مقابل لهُو و قول زور دانسته است. لهُو الحدیث محتوایی است که مورد علاقه ظالمین است یعنی کسانی که خود گمراه بوده و دیگران را هم به گمراهی می‌برند. (صرفی زهرا، ۱۳۹۸: ۹۳) مفاهیمی همچون بازداشتن از امری مهم، فساد و سستی، سست کردن اراده جزمی و... مفاهیم در مقابل حکمت هستند. (همان: ۸۹)

۲. امامت، امت و مسجد

افروز غلامعلی (۱۳۷۵) معتقد است تشکیل مثلث تربیتی مسجد، مدرسه و خانواده ضروری است. وی لزوم ایجاد مولفه های تربیتی مسجد در مدرسه را از قبیل امام محوری و تقدس علم و معلم ضروری دانسته و مسئولیت سنگین معلم را همانند امام جماعت می‌داند. خاتمی سیداحمد (۱۳۷۶) معتقد است القای جدایی سیاست و دیانت در طول تاریخ از طرف دشمن به صورت ناآگاهانه بر برخی فتاوی ناظر به اداره مسجد تاثیر داشته است. محراب بیگی (۱۳۷۶) مسجد از طریق امام محوری سبب متحدالشکل سازی ظاهری و محتوایی جامعه و وحدت بخشی است. رهبری حسن (۱۳۷۶) لزوم ایجاد جذابیت در مسجد را به عنوان مقدمه واجب ذکر می‌کند. مبلغی (۱۳۷۶) امام محوری را بر اساس فقه المسجد مهم می‌داند. میرزایی اصفهانی (۱۳۷۹) مسئول رغبت و عدم رغبت مردم به مسجد را امام جماعت می‌داند. ضرابی رضا (۱۳۷۹) مسجد را یک واحد اجتماعی کوچک و نماد یک جامعه اسلامی و نمونه عینی حاکمیت ارزش‌های اسلامی می‌داند. بنیانیان (۱۳۸۲) پیوند امام و امت را قوی ترین منشا تولید قدرت دانسته و در صورت تحقق شروطی آن را غیر قابل شکست می‌داند. مسجد (۱۳۸۲) از قول رهبر انقلاب وظیفه امام جماعت را زنده نگه داشتن امید در دل مردم ذکر می‌کند. نقی زاده (۱۳۸۶) بر اساس اصل مبنایی پیش فرض مشاع بودن تربیت در همه موضوعات، مسجد تمام ساحتی را یک مسجد تربیتی می‌داند. المسلمی (۲۰۱۰) نقش امام و روابط برادرانه بین مردم را در مسجد مهم می‌داند. مهدوی کتی و فرخی (۱۳۹۱) الگو بودن رهبر مسجد و اداره مشارکتی را دو رکن رکن موفقیت مسجد در تعلیم و تربیت ذکر می‌کند. فقیهی حامد (۱۳۹۳) مسجد را به عنوان جامعه اسلامی کوچک نام می‌برد. علائی (۱۳۹۵) از آن جا شهرهای بزرگ نقش رهبری شهرهای کوچک را ایفا می‌کنند پیشنهاد می‌دهد که مساجد نقش رهبری در شهرها را عهده دار شوند. یوسفی و همکاران (۱۳۹۶) به عوامل تربیتی ولایت پذیری اشاره نموده و آن‌ها را به دو عامل درونی و بیرونی تقسیم نموده است. عوامل درونی مانند معرفت، حب، ایمان، صبر، تبری و عوامل بیرونی عبارتند از عفو الهی، مری، خانواده، حکومت و حاکمان. مرزوقی (۱۳۹۷) تعامل مسجد، خانواده و امام جماعت با محویت امام جماعت را برای تعلیم و تربیت جامعه مفید می‌داند. خیرآبادی و همکاران (۱۳۹۸)

مسجد از طریق وجود امام و قوت روابط مومنین سبب ایجاد امت اسلامی است. نقش امام مهمترین نقش است که ویژگی های خاصی را اقتضا می کند.

۳. تربیت ولایی

میرزاحمدی و رسولی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان "تربیت ولایی؛ اصلی ترین مبنای تربیت دینی" با استفاده از روش استنباطی چنین برداشت نموده اند که انسان به عنوان یکی از مراتب وجود در جهان و با همه موجودات در ارتباط است. برخی از این ارتباطات یک جانبه هستند مانند ولایت خداوند بر او و برخی از آن ها یک جانبه اند مانند ولایت انسان بر خود (تصرفات انسان در نفس خود مانند اراده، تفکر، عزم و...)، ولایت انسان بر طبیعت (تصرفات انسان در طبیعت)، ولایت خدا بر طبیعت و انسان (ولایت تکوینی)، دوم ولایت دوجانبه شامل ولایت تدبیر و سرپرستی و ولایت محبت و نصرت، ولایت خداوند بر انسان هم از نوع تدبیر و سرپرستی است و هم از نوع دوستی و محبت و نصرت. خداوند ناصر مومنین است و مومنین ناصر دین خدا هستند. (میرزاحمدی و رسولی، ۱۳۸۹: ۱۵) نکته قابل توجه در تحقیق میرزاحمدی و رسولی توجه به هستی شناسی ولایت است. آن جا که اشاره می کنند: وجود ولایت یک امر قطعی است و آن چه مهم است این است که افراد در انتخاب ولی دقت لازم را داشته باشند. بر این مبنا هر کس در ایمان به خدا صادق باشد ولی الله است. (همان: ۱۶) در این تحقیق عنوان شده است که خداوند به دلیل غنای وجودی همیشه نزدیک انسان هست ولی این انسان است که برای قرب به او باید تلاش کند چون دارای فقر وجودی است و این تلاش او وی را به عزت می رساند. در ادامه لازمه کسب مقام ولایت (اوج مقام توحیدی) را معرفت الله در عمل می دانند. (همان: ۱۷) برای مقام ولایی در انسان مراتبی قائل می شوند که از معرفت و تصدیق شروع شده و اوج آن تسلیم محض به اراده الهی است. (همان: ۱۸-۱۹) در پایان جایگاه مهم امام در جهان هستی و تعلیم و تربیت انسان را یادآور می شود. (همان: ۲۰-۳۵) پناهیان علیرضا (۱۳۹۲) طی یک سلسله جلسات سخنرانی به ارائه تربیت ولایی از دیدگاه خود پرداخته است. ایشان در تعریف تربیت ولایی می گوید "تربیتی که در آن هستی شناسی و بایدها و نبایدها از اهل بیت (ع) گرفته می شود" روش این تربیت را این گونه بر می شمارد که "در تربیت ولایی، رابطه ای حقیقی و همراهی با اولیاء خدا ایجاد می گردد". ایشان

اصول تربیت ولایی را متفاوت با اصول تربیت غربی می‌داند و در نقد تربیت غربی این اشکالات را ذکر می‌کند: " بهره برداری غرب از قانون و نیازهای جنسی برای اجبار انسان به انجام کار، سیستم‌های آموزشی نمره‌محور و تخریب شخصیت انسان، در روش تربیتی غرب، افراد مجبور به تبعیت و عمل می‌شوند" در ادامه بیان می‌دارد: "اگر آیین‌نامه‌ها و ضوابط افراد را مجبور به عمل کنند، اثر تربیتی از بین می‌رود و عمل طبق اجبارهای زندگی و جبرهای فیزیولوژیک، ارزش تربیتی ندارد." ایشان تربیت ولایی را تربیتی بدون اجبار می‌داند که افراد از روی آگاهی با انگیزه حرکت می‌کنند. نمونه آن حرکت‌های داوطلبانه مردمی که از عشق و علاقه مردم نشأت می‌گیرد. در این نوع فعالیتها فرد نه تنها تشویق نمی‌شود که ممکن است مورد ملامت هم قرار بگیرد. این نوع کارها را اگر فرد ترک کند تحقیر نمی‌شود. به نظر ایشان در تعلیم و تربیت اهل بیت تشوق و تنبیه فوری وجود ندارد." وی معتقد است محبت اهل بیت ریشه و اساس زشتی‌ها را می‌تواند بسوزاند مثلاً کسی که به اهل بیت محبت واقعی پیدا کند از حسد دور می‌شود. در پایان علم نافع را مهمترین هدیه اهل بیت به بشر می‌داند. ایشان درباره گستره تربیت ولایی معتقد است " کل جهان را در نظر بگیریم؛ نه فقط محیط محدود خود را". (پناهیان، ۱۳۹۲/۷/۷) رهنمایی سید احمد (۱۳۹۶) تربیت ولایی-جهادی را این گونه تعریف می‌کند: " آن سنخ از تربیت که بر محور ولایت ولی امر به مفهوم خاص کلمه مشتمل بر پذیرش ولایت الله، ولایت معصومان و ولایت فقیه استوار گردد و مرتبی را در راستای تحقق منویات و مقاصد الهی صاحبان ولایت به مجاهدتهای پیگرانه مبتنی بر ولای محبت و ولای تبعیت فراخواند. بدین ترتیب ولایتمداری یعنی ابراز محبت و وفاداری نسبت به فرمان و رهنمود ولی امر به صورت طولی از بارگاه الهی تا جایگاه صاحب ولایت در عصر غیبت و ظهور، در راستای تحقق مقاصد و آرمان‌های الهی". (رهنمایی، ۱۳۹۶: ۹۸) زاهدی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تربیت ولایی را معادل تربیت مهدوی دانسته‌اند. ایشان عامل اصلی تربیت ولایی را مادران دانسته‌اند. به نظر آن‌ها عشق و محبت اولیاء خصوصاً امام عصر باید از قبل از تولد فرزند آغاز گردد. (زاهدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳-۱۵) فرهادی (۱۴۰۰) در کتابی با عنوان تربیت ولایی که بر اساس پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده تدوین شده است؛ تربیت ولایی را مجموعه‌ای از مبانی، اصول و روش‌هایی می‌داند که توجه به منابع اصیل دینی و با تأکید بر ولایت مطلق الهی و ولایت ائمه اطهار به طور هماهنگ و منسجم برای نیل به سعادت

دنیوی و اخروی گردآوری شده است. در این کتاب از اصول و روش های تعلیم و تربیت اسلامی با محتوای ناظر به ولایت ائمه معصومین استفاده شده است. (فرهادی، ۱۴۰۰: ۱۴) حسینی (۱۳۹۹) ولایت را از لوازم اصلی تربیت انسان می‌داند. وی پس از ولایت معصومین و ولایت فقیه، ولایت مومن عادل را نیز بر اساس آیه "المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض" لازم می‌داند. (حسینی، ۱۳۹۹: ۱۷)

روش‌شناسی

در رویکردهای تربیت اسلامی، از آن جا که انتساب یک دیدگاه به دین مطرح می‌شود؛ اصالت آن اهمیت می‌یابد. اصل بودن به این معنا است که رویکرد تربیتی از حیث صدور و دلالت منبع دارای حجیت باشد. صاحب معالم معتقد است قرآن کریم قطعی الصدور و ظنی الدلاله است و حدیث قطعی الدلاله و ظنی الصدور است. (شهید ثانی، ج ۱، بی‌تا: ۲۷۴) بر همین اساس، استناد به قرآن کریم که مهمترین و بدون خدشه ترین منبع اجتهاد دینی از حیث صدور است؛ و همچنین احادیث و سنت معصومین که در درجه دوم اهمیت دارند؛ نقش برجسته ای در طراحی نظامات و رویکردهای همه علوم خصوصا تعلیم و تربیت اسلامی باید داشته باشند. یکی از راه حل های ظنی الدلاله بودن قرآن رجوع به تفاسیر قرآن کریم است که در این تحقیق به آن اهتمام شده است؛ و یکی از راه های حل مشکل ظنی الصدور بودن روایات، مراجعه به اجتهاد علمای تراز اول است خصوصا آن ها که دیدگاه های آن ها در مقام عمل توانسته است گره گشای جهان اسلام باشد؛ لذا در این تحقیق با استفاده از قرائت مکتب امام خمینی از مساله ولایت، این مشکل نیز مرتفع شده است. تحلیل های عقلانی دقیق و کشف ارتباطات مفاهیم نیز از همان ابتدای تحقیق قطعا جایگاه ویژه خود را دارد چرا که عقل نیز در کنار قرآن و حدیث از منابع اربعه کشف دیدگاه های دین است. (علامه حلی، ج ۲، ۱۴۲۵: ۲۰) در تبیین رویکردها و چارچوبهای تربیتی، اهمیت تربیتی تمثیلات قرآنی مانند تمثیل شجره طیبه اهمیت دارد. (قاسمی، ۱۳۸۲: ۵۹) اهمیت تربیتی شخصیت‌های قرآنی الگو نیز برای کشف عناصر تربیتی بسیار تعیین کننده هستند. (رضایی اصفهانی، ج ۴، ۱۳۹۴: ۳۳۶). روش مورد نظر برای تحقیق حاضر، روش تحلیل محتوای کیفی از جامعه آماری ذکر شده است. بنا بر کتاب مبانی و اصول روشهای تحقیق کیفی، اثر خنیفر و

مسلمی (۱۳۹۸)، روش تحلیل محتوا از تکنیک های روش اسنادی در پژوهشهای علوم اجتماعی می باشد. روش اسنادی به کلیه تحقیقاتی گفته می شود که بر پایه تحلیل و بررسی متون و اسناد هستند. (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸: ۷۹) به عقیده برلسون، تجزیه و تحلیل محتوا برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام های ارتباطی به کار می رود. (همان: ۷۹). این تحلیل در دو نوع استنتاجی و یا استقرایی به کار می رود و هر دو نوع آن دارای دو نوع کیفی و کمی است. بر خلاف دیدگاه های کمی، در تحقیقات کیفی این فرض زیر سوال می رود که لزوماً فراوانی یک مفهوم نشانه اهمیت آن است. (همان: ۸۰) یکی از انواع تحلیل محتواهای کیفی تحلیل مقوله ای است. بر اساس این دیدگاه، منتخب هایی از متون مرتبط با مقوله مورد نظر استخراج شده و بر اساس مشابَهت ها بازنویسی می شوند. (همان: ۸۲) در این روش تحقیق واحد تحلیل به فضایی گفته می شود که یک موضوع یا عمل مورد مطالعه اختصاصی قرار گرفته است. واحد معنا نیز مجموعه ای واژگان و عبارات است که بتوان ارتباطی با مشابَهت در آن ها یافت. واحد معنا، مینا و پایه ی ساخت رمز گذاری است. (همان: ۸۳) در تحقیق حاضر نیز بر همین منوال پس از بررسی های کافی در پیشینه تحقیق، منابع اصلی و منابع فرعی دینی، تلاش شد ارتباط ولایت و تربیت در نظام اجتماعی اسلامی مورد بررسی، انتخاب، کدگذاری، مشابَهت یابی و دسته بندی قرار بگیرد. نمونه گیری در تحقیقات کیفی تحلیل محتوا می تواند هدفمند باشد. (همان: ۸۵) همان طور که ذکر شد؛ از آن جا که در طول دوران تشیع، امام خمینی بیش از سایرین به مساله ولایت پرداخته اند و تئوری احیاء شده و مدرن ولایت فقیه از سوی ایشان مطرح شده است؛ لذا تمرکز کشف تعریف اولیه برای تربیت ولایتی به تالیفات ایشان، استاد برجسته ایشان، آیت الله شاه آبادی و شاگردان برجسته ایشان، آیت الله خامنه ای، شهید مطهری و نیز همراهان فکری ایشان، علامه طباطبایی، آیت الله جوادی آملی و آیت الله مصباح یزدی تعلق گرفت. پس از تعیین تقریبی تعریف تربیت ولایتی به روش استنباطی در آراء این اساتید، مضامین نزدیک به ولایت در جامعه آماری تفاسیر قرآن کریم جستجو شد و تمثیل شجره طیبه در قرآن کریم به عنوان یک عنوان دارای بار معنایی نظام مند و سیستمی، انتخاب گردید و با مدل نمونه گیری گلوله برفی، از طریق بررسی های تفسیری آن، مفاهیمی چون ایمان و حکمت در سایه معنایی ولایت کشف شد. سپس جهت مصداق یابی تربیتی مشاهده شد در قرآن کریم لقمان به عنوان یک حکیم نام برده شده و شرح حال وی نیز تایید

کننده مفاهیم ولایت، حکمت و ایمان بود. پس از تعیین هدف، برنامه و روش تربیت نیاز به کشف محیط آموزشی مناسب با این رویکرد بود لذا به نظر رسید که شواهد مختلف قرآنی و روایی، مسجد را به عنوان محیط تربیتی سازگار با رویکرد تربیت ولایی برجسته نموده اند. سوالات اصلی تحقیق حاضر این است که اولاً تعریف تربیت ولایی چیست و از مکتب فکری امام خمینی (امام، استاد برجسته امام، شاگردان برجسته امام) چه تعاریفی برای این رویکرد تربیتی قابل استنباط و اقتباس است؟ دوم این که چارچوب این رویکرد تربیتی چه خواهد بود؟ ۱- هدف آموزش، ۲- مبنای آموزشی، ۲- محتوای آموزشی، ۳- مدیریت و عوامل آموزشی، ۳- سازماندهی آموزش، ۴- فضای آموزشی، ۵- عرصه عمل آموزش.

یافته‌های تحقیق

۱. تعریف تربیت ولایی

شئون ولایت و تربیت در الفاظ مختلف و با طیفی از معانی دارای یک اشتراک معنوی در سراسر متون اسلامی به چشم می‌خورند؛ مثلاً می‌توان تربیت از ریشه "ر ب و" و تربیت از ریشه "ر ب ب" را در تقابل ندید؛ بلکه این طور مورد نظر قرار داد که می‌توانند با هم جمع شده و در یک طیف معنایی از "ر ب و" تا "ر ب ب" و در دو سر طیف تعریف شوند. این تعاریف می‌تواند رشد و نمو اعم از مادی و معنوی را در بر بگیرد. این شیوه اقرب به صواب نیز هست چنانچه علما گفته اند: "الجمع مهما امکن اولی من الطرح" (مشکینی، ۱۳۷۴: ۱۹۳) همچنین درباره ولایت عده ای قائل به طیف معانی و یا همان اشتراک معنوی شده اند؛ (حسینی طهرانی، ج ۱، ۱۴۲۷: ۲۵) همچنین ولایت در طیفی از معانی دیده شود که شروع آن حب، سپس سرپرستی، سپس نصرت و در نهایت اتحاد می‌باشد و وجه مشترک همه آن‌ها قرب است. (همان) در این صورت است که می‌توان هر معنایی از تربیت و ولایت را در بخش مشخصی از نظریه تربیتی جایگزاری نموده و از همه عناوین اصطلاحی به کار رفته در متون علمی و دینی استفاده برد. همان طور که نفس، در دیدگاه صدرایی «جسمانیه الحدوث و روحانیه البقا» است؛ (ملاصدرا، ۱۳۶۰: ۶۳۰) تربیت نیز در ابتدا نشو و نمای مادی و به معنای ریشه "ر ب و" بوده و در نهایت به ربوبیت و خداوندگاری می‌رسد که از ریشه "ر ب ب" است. در غرب نیز شبیه چنین سیر تعالی در تربیت دیده می‌شود

مانند مراحل: پداگوژي، آندراگوژي و هيوتاگوژي. (طرفي و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۰-۹۰). ولايت نیز مانند تربيت از ضروريات انسان است؛ چنان که نیاز به سرپرست در انسان يك اصل خدشه ناپذير است. (هاشمي رفسنجاني، ج ۱۶، ۱۳۸۶: ۴۱۰) مفهوم ولايت نیز همچون تربيت از نیاز کودک انسان به سرپرست آغاز می شود. (انصاري، ج ۲، ۱۳۹۲: ۱۳۱) رفته رفته شامل حب و بغض ها و گرايش ها می شود. (جمعی از نویسندگان، بيتا: ۱۱۵) و رفته رفته یاری ها و نصرتهاي اجتماعي را شامل می شود و ولايت نصرت و ولايت تعاون را شامل می شود (حسيني طهراني، ج ۳، ۱۴۲۷: ۱۳۲) و تا سرپرستی جامعه به پيش می رود (طاهر زاده، بيتا: ۱۰)، ارتباط عرفاني با حب اهل بيت پيدا می کند چنان که حرکت از حب ازلي و استعدادی تا حب کمالی را سير حبي می نامند و با وساطت و ولايت حقيقت محمدي و ارواح مقدسه اهل بيت انجام می پذيرد. (منصوري لاريجاني، ، ۱۳۷۸: ۳۸) بغض ولايت طواغيت را هم در بر می گيرد. (حق جو، ۱۳۸۹: ۴۴) و نهايتا در مقام ولايت الله (قرب الهی) به اوج روحانيت خود می رسد. (حسيني طهراني، ج ۱، ۱۴۲۷: ۲۶) همچنان که علامه طباطبائي ولايت را چنين تعريف می کنند: الولایة و أنها هی الکمال الأخير الحقیقی للإنسان و أنها الغرض الأخير من تشريع الشريعة الحقة الإلهية علی ما يستفاد من صريح البرهان و يدلّ عليه ظواهر البيانات الدينية و الکلام موضوع فی فصول و الله سبحانه المستعان. (همان: ۲۷) بنا بر اين، دیدگاه تحقيق حاضر مبتنی بر مشترک معنوی بودن تربيت و ولايت است نه مشترک لفظی بودن معانی آن ها. لذا ولايت، تربيت و حکمت از لحاظ لغوی و اصطلاحی همراهی بسياری دارند. صاحب تفسير قرآن بيان السعادة (۱۳۶۷): ولیّ همان مربي است که به جذب منفعت به متربی خود همت می دارد. ولیّ همان امام و رسول است. مربي نیز کسی است که به متربی کمک می کند؛ تا بتواند بر قوه شهويه و غضبيه خود مسلط باشد. (سلطان عليشاه، ج ۱، ۱۴۰۸: ۱۳۴) خزائلی در شرح گلستان سعدي می گوید: صوفيان معتقد بودند تربيت بدون ولیّ مرشد ممکن نیست. (خزائلی، ج ۱، ۱۳۶۳: ۳۳) گفته می شود مردم از ولايت اهل بيت بازخواست خواهند شد چرا که اخلاق، آداب و تربيت آنان برعهده ائمه است. (کامل سليمان، ۱۳۸۶: ۳۱۲) صاحب تفسير تمهيدالمباني درباره رابطه تربيت و ولايت می گوید: در قرآن کریم خداوند اهل حقيقت را به اسم الله از ولايت خود بهره مند کرده و می فرمايد "الله ولیّ الذين آمنوا" و ارباب طريقت را به اسم رحمان خود با محبت خود تربيت می کند. اصحاب شريعت نیز از اسم رحيم

بهره مند هست چنانچه فرمود: "وکان بالمومنین رحیما" (رضانژاد، ۱۳۸۳: ۵۹۹) صاحب تفسیر روان یکی از معانی حکم را که خداوند به انبیاء می دهد حکمت و مستقلات عقلیه می داند که در مقام ولایت بر ملت و تربیت آن ها لازم و ضروری است. (مشکینی، ج ۶، بیتا: ۲۱) مدرسی یکی از معانی محتمل ولایت مرد در خانواده را از جهت تربیت فرزندان و حفاظت ایشان و اهتمام به رشد و آموزش آن ها می داند. (مدرسی، ج ۶، ۱۳۸۶: ۴۱۵) برخی معتقدند انسان ها وقتی به کمال شایسته خود می توانند برسند که تحت اشراف و ولایت قرار گرفته و از اولیاء مدد بجویند. (همایش مهدویت، ۱۳۸۶: ۱۳۶) همان طور که در روش شناسی پژوهش ذکر شد؛ در قرون اخیر و در بین کسانی که بر اساس اصالت قرآن و سنت و با رویکردی اصولی، فلسفی و حکمت آمیز به ارائه نظریه ولایت پرداخته اند؛ امام خمینی با نظریه ولایت فقیه کاملاً برجسته و روشن است. مسلماً با بررسی دیدگاه های استاد ایشان و شاگردان و همفکران او که خود ریشه و شاخه های اندیشه ولایی ایشان هستند می شود نسبت به دیدگاه جامعی از ولایت و تقریبی از معنای تربیت ولایی دست یافت. امام خمینی، اخوت ایمانی مردم مومن را به صورت منسجم و سازمان یافته "بسپج" نام گذاری نموده و از آن به "شجره طیبه" یاد می کند. (پرتال امام خمینی، ۱۳۹۷/۰۷/۱۲) چنان که در عرف، بسپجیان همدیگر را به برادر خطاب می کنند. (سایت رادیوزمانه، ۱۳ اسفند ۱۳۹۵) بنابر این، اخوت و ایمان از معیارهای اصلی "شجره طیبه" از دیدگاه امام خمینی است. رهبر انقلاب نیز بسپج را مجموعه ای به پایه گزاری امام و در رهروی او تعریف می کند. (رهبر انقلاب، 1394/03/14) بنابر این پیروی از امامت نیز ویژگی دیگر این شجره طیبه است. بنابر این ولایت در یک طیف معنایی است که از تسلط تا سرپرستی و از آن جا به حب و دوستی را شامل می شود. ولایت نقش موثر و دائمی در فرایند تربیت دارد. حتی این رابطه عمیق تر از همراهی در طی فرایند است و با بررسی معاشناسانه متوجه قرابت مفهومی آن دو نیز می تواند شد. مثل مفهوم تسلط بر خود که یک مفهوم ولایی است و مفهوم خودسازی که یک مفهوم تربیتی است. بین مفهوم سرپرستی غیر که یک مفهوم ولایی است با رشد دادن دیگران که یک مفهوم تربیتی است. تربیت و ولایت علاوه بر این که خودشان به صورت جداگانه دارای معنای طیفی و اشتراک معنوی هستند؛ همراهی معنایی زیادی نیز با هم دارند. مربی و ولی نیز به همین تناسب بسیار به هم نزدیکند و مربی و مولی علیه نیز چنین رابطه نزدیکی دارند. آن کس که مسئولیت و تکفل و شان سرپرستی

دارد همان مربي است؛ آن کس که تحت سرپرستي و رشد است؛ همان مربي است و اصل ولايت و تربيت يک نوع عمل محسوب مي‌شوند. پس از مشخص شدن مشترک معنوي بودن ولايت و تربيت، بخشهاي مهم منتخب از ديدگاه هاي مکتب امام خميني جهت استخراج و اقتباس تعريف تربيت ولايي ذکر مي‌شود :

الف) ديدگاه امام خميني

با بررسي آثار و بيانات امام خميني و تحليل محتوای آن ها بر پايه مفهوم ولايت و تربيت، تعريفی قابل حصول است؛ که پس از آوردن برخی از مهمترين شواهد يافت شده؛ ذکر خواهد شد. امام خميني ولايت را به يک ريسمان و اتصال تشبيه مي‌کند و آن را معادل نجات و رحمت الهي مي‌داند که دوري از آن و انقطاع از آن را انقطاع از خداوند مي‌داند: "کسي که خارج شد از ولايت حق و بيرونش کردند از زير پرچم رحمت ارحم الراحمين، ديگر اميد نجات براي او نيست، شفاعت شافعان نصيب او نخواهد شد: من ذا الّذی يشفع عنده إلاً يا ذنه. کي شفاعت مي‌کند کسي را سخطناک به خدا است و از حرز ولايت او خارج است و ريسمان مودت ما بين او و مالک رقابش پاره شده؟" (امام خميني، ۱۳۹۴: ۱۰۹) همچنين ايشان مربيان جامعه را ملتزم به احراز رفتار متناسب با اولياء مي‌دانند: "يکي از عصبيتهای جاهليت ايستادگي در مطالب علميه است و حمايت کردن از حرفي است که از خودش يا معلمش يا شيخش صادر شده، نه براي اظهار حق و ابطال باطل. زيرا که اهل علم، که بايد مربي بني نوع بشر باشد و شاخه شجره نبوت و ولايت است". (امام خميني، ۱۳۹۴: ۱۵۲) در تاکيد ديگري مدعيان ولايت جامعه را ملتزم به تربيت نفس مي‌داند: "و ای مدّعی ولايت از جانب ولیّ الله و خلافت از جانب رسول الله، صلّی الله عليه و آله، اگر مطابق حدیث شریف احتجاج هستی (صائنا لنفسه، حافظا لدينه، مخالفا علی هواه، مطيعا لأمر مولاه). و اگر برگ شاخه ولايت و رسالتی و مايل به دنيا نيستی و مايل به قرب سلاطين و اشراف و منزجر از مجالست با فقرا نيستی، اسمت مطابق با مسمی و از حجج الهيه در بين مردم هستی و الا در زمره علماء سوء و در زمره منافقان و از طوايف ديگر که ذکر شد حالت بدتر و عملت زشت‌تر و روزگارت تباهتر است، زيرا که حجت بر علما تمامتر است". (امام خميني، ۱۳۹۴: ۱۶۲) ايشان مقام تربيتي تقوا را به عنوان يک مقام ولايي نام مي‌برند: "پس تقوا از محبت نفس نمايد و متقي خالی از توجه به خود و خود خواهی شود؛ و اين مقامی است بس شامخ و رفيع و اول مرتبه

حصول روایح ولایت است؛ و حق تعالی او را در کنف لطف خود جای دهد و از او دستگیری فرماید و مورد الطاف خاصه حق شود". (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۲۱۳) ایشان برخی گناهان را به عنوان خروج از ولایت الله و در نتیجه خروج از ایمان می دانند: "کسی که غیبت کند او را (کسی را که اهل ستر و عدالت است در ظاهر، گرچه مذنب باشد پیش خودش) خارج شود از ولایت خدای تعالی و در ولایت شیطان وارد شود". (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۳۰۸) ایشان ولایت را همچون توحید از فطریات بشر می دانند: "و چون فطرت فنای در کمال مطلق را خواهد، حصول آن حقیقت - که حقیقت ولایت است - حصول فنای در کمال مطلق است، پس حقیقت ولایت نیز از فطریات [است] و از این جهت است که در روایات شریفه: «فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» را گاهی تفسیر فرموده به «فطرت معرفت» و گاهی به «فطرت توحید» و گاهی به «فطرت ولایت» و گاهی به «اسلام»؛ و در بعضی از روایات است که از حضرت باقر - علیه السلام - روایت شده که فرمود: «فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ لِيُّ اللَّهِ» است؛ و تا این جا توحید است؛ و این حدیث شریف شاهد مقاله ماست که ولایت از شعبه توحید است؛ زیرا که حقیقت ولایت فیض مطلق است و فیض مطلق ظلّ وحدت مطلقه است؛ و فطرت، بالذات متوجه کمال اصلی و بالتبع متوجه کمال ظلّی است. و این کلام را بیانی دیگر است که از آن ناچار صرف نظر کنیم. پس معلوم شد معرفت و توحید و ولایت از امور فطریه است". (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۱۰۱) در نتیجه پس از یافتن کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل و کتاب شرح چهل حدیث امام خمینی به عنوان دو کتاب دارای بیشترین مضامین تربیت ولایی و نیز ذکر مهمترین آن ها اکنون می توان تعریف ذیل را استنباط و اقتباس نمود: تربیت ولایی نوعی تربیت فطری است که برای اتصال به ولایت الله و اجتناب از ولایت طاغوت، در انسان شکل می گیرد؛ و به موجب آن، انسان در عقیده، قلب و رفتار خود متصف به صفات الهی و اولیاء او شده و از جنود جهل دوری می کند؛ تا عقل بر قوای طبیعی او امکان تسلط یابد. بنا بر این امام خمینی در کنار نظریه سیاسی ولایت فقیه، دیدگاه تربیت ولایی نیز داشته و در تداوم دیدگاه ایشان به مساله ولایت است. در دیدگاه ایشان تربیت نفس معادل تربیت نفس است و مربی معادل ولی است. در این دیدگاه همان طور که اتصاف به اولیاء الهی نیاز مند احراز شرایطی است؛ مربی بودن نیز همان شرایط را به عنوان شروط لازم دارد.

ب) دیدگاه استاد امام خمینی (محمد علی شاه آبادی)

مهدی حائری یزدی معتقد است؛ امام خمینی عارف به تمام معنا بود و آنچه در این راه کسب کرد، از مرحوم آیت الله شاه آبادی است و نمی توان این را انکار کرد. (پرتال امام خمینی، ۲۸/۰۶/۱۴۰۰) از دیدگاه آیت الله شاه آبادی، حفظ اختصاص به ولایت مطلقه امام معصوم پس از اتصال به قرآن کریم، یکی از عوامل نجات است. (شاه آبادی، ۱۳۸۶: ۵۲) یکی از امراض جامعه اسلامی، افتراق مسلمین از رشته ی اخوت است که موجب اضمحلال معاش و معاد شده است. هرچه انفراد و افتراق بیشتر می شود "اختلال و انحلال" شدت می یابد. (همان: ۴۷) دو رشته ی ولایت عرضی و طولی را برای نجات جامعه اسلامی توصیه نموده اند: رشته طولی که ارتباط ولایی با معصوم است و رشته عرضی که رشته ولایی اخوت و برادری است. (همان: ۵۴) متعهدین به این مرامنامه مکلف هستند برای نجات جامعه اسلامی حداقل یک نفر دیگر را هدایت کنند. (همان: ۶۱) (با تلخیص و تصرف جزئی) بنابر این، دیدگاه آیت الله شاه آبادی دیدگاهی اجتماعی است و می تواند در تکمیل دیدگاه های تربیتی فردی مفید واقع شود. بر همین اساس، با بررسی کتاب شذرات المعارف، این تعریف برای تربیت ولایی را می توان استنباط و اقتباس نمود: تربیت ولایی، نوعی تربیت اسلامی اجتماعی در ایجاد رشته اخوت بین مومنین و اتصال آن ها به امام است که از این رهگذر بین قلوب مومنین و امام اتحاد برقرار شده و نتیجه آن تحقق وعده های الهی به مومنین است. ایشان امامت و اخوت را به عنوان دو رشته اجتماعی اسلام می داند و هر مسمان عضو جامعه اسلامی را نسبت به این امت واحده از طریق خودسازی و دیگر سازی مسئول می داند.

ج) دیدگاه های شاگرد برجسته امام خمینی (مرتضی مطهری)

شهید مطهری انواع ولاء ها و ولایتها را به عنوان ارتباطات انسان با خود، پیرامون و جامعه مطرح نموده است. برخی از این ارتباطات سلبی و برخی ایجابی هستند. "دو نوع ولاء در قرآن سخن از «ولاء» و «موالات» و «تولی» زیاد رفته است. در این کتاب بزرگ آسمانی مسائلی تحت این عناوین مطرح است." (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۶) ۱- ولاء منفی قرآن کریم، مسلمانان را از اینکه دوستی و سرپرستی غیر مسلمانان را بپذیرند سخت بر حذر داشته است، نه از باب اینکه دوست داشتن انسان های دیگر را بد بداند و طرفدار بغض مسلم نسبت به غیر مسلم در هر حال و مخالف

نیکی با آنها باشد؛ قرآن صریحاً می‌گوید خداوند باز نمی‌دارد شما را از کسانی که با شما در دین مقاتله و جنگ نکرده‌اند و شما را از خانه‌ها تان بیرون نرانده‌اند که نیکی کنید نسبت به آنان و دادگری کنید. (همان، ۲۰) ۲- ولاء اثباتی: الف. ولاء اثباتی عام: اسلام خواسته است مسلمانان به صورت واحد مستقلی زندگی کنند، نظامی مرتبط و اجتماعی پیوسته داشته باشند، هر فردی خود را عضو یک پیکر که همان جامعه اسلامی است بداند. ایمان، ملاک برتری قرار گرفته است؟ ایمان ملاک وحدت و رکن شخصیت و تکیه‌گاه استقلال و موتور حرکت جامعه اسلامی است. (همان: ۳۰) ب. ولاء اثباتی خاص ولاء اثباتی خاص، ولاء اهل البیت (علیهم السلام) است. در اینکه پیغمبر اکرم مسلمانان را به نوعی ولاء نسبت به خاندان پاک خود خوانده و توصیه نموده است جای بحث نیست؛ یعنی حتی علمای اهل تسنن در آن بحثی ندارند". (همان: ۳۹) توجه به مفهوم محبت در کنار سرپرستی که از معانی ولایت است؛ در نقش تربیتی اولیاء به عنوان مربیان بشر دیده می‌شود. بنابر این دو مفهوم ولایت و تربیت در مصادیق به ظاهر متعدد ولیّ و مربی، یک دستور کار واحد را ایجاب می‌کنند: "ب-۱) به عنوان مفاهیم ولایت و ولاء محبت یا ولاء قرابت و ولاء محبت یا ولاء قرابت به این معنی است که اهل البیت، ذوی القربای پیغمبر اکرم‌اند و مردم توصیه شده‌اند که نسبت به آنها به طور خاص، زائد بر آنچه ولاء اثباتی عام اقتضا می‌کند، محبت بورزند و آنها را دوست بدارند." (همان: ۴۸) ارتباط ایمان و ولایت و نیز مفهوم نگه‌داری و صیانت که از نتایج ولایت است یکی از دیگر از این ویژگی‌ها است که تربیت و ولایت را در یک راستا قرار می‌دهد: معنای "الله و لى الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الى النور" این نیست که خدا دوست اهل ایمان است، بلکه این است که خداوند با عنایت خاص خود متصرف در شؤون اهل ایمان است و اهل ایمان در حفظ و صیانت خاص پروردگارانند؛ و همچنین معنای "ان اولیاء الله لا خوف علیهم ولا هم یحزنون" این نیست که بر دوستان خدا ترسی نیست. در اینجا کلمه «ولی» از قبیل فعل به معنای مفعول است. پس معنی چنین می‌شود: کسانی که خداوند ولی امر آنها و متصرف در شؤون آنهاست مورد ترس و نگرانی نمی‌باشند؛ و همچنین معنای آیه المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعضهم این نیست که مؤمنین دوستان یکدیگرند؛ بلکه این است که مؤمنین نسبت به یکدیگر متعهد و در شؤون یکدیگر متصرف و در سرنوشت یکدیگر مؤثرند و لهذا بعد می‌فرماید: یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر. (همان: ۵۹) نقش تربیتی اولیاء الهی در

جامعه انسانی یکی دیگر از مویدات ارتباط مفهومی تربیت و ولایت است. در این بیان تصریح می‌شود که معلمی و مربی بودن شانی از شئون ولایت است: ب-۲) "ولاء امامت و لاء امامت و پیشوایی و به عبارت دیگر مقام مرجعیت دینی یعنی مقامی که دیگران باید از وی پیروی کنند، او را الگوی اعمال و رفتار خویش قرار دهند و دستورات دینی را از او بیاموزند و به عبارت دیگر زعامت دینی. چنین مقامی مستلزم عصمت است و چنین کسی قول و عملش سند و حجّت است برای دیگران (همان: ۶۱) امامت و پیشوایی و مقتدایی دینی، به طوری که آنچه پیشوا می‌گوید و هر طور عمل می‌کند سند و حجّت الهی تلقی شود، نوعی ولایت است، زیرا نوعی حقّ تسلّط و تدبیر و تصرف در شئون مردم است. به طور کلی هر معلّم و مربی از آن جهت که معلّم و مربی است، ولی و حاکم و متصرف در شئون متعلّم و مربّاست، چه رسد به معلّم و مربی‌ای که از جانب خدا این حق به او داده شده است. (همان: ۶۵) ب-۳) ولاء زعامت: ولایت زعامت یعنی حقّ رهبری اجتماعی و سیاسی. اجتماع نیازمند به رهبر است. آن کس که باید زمام امور اجتماع را به دست گیرد و شئون اجتماعی مردم را اداره کند و مسلّط بر مقلّدرات مردم است «ولی امر مسلمین» است. (همان: ۶۷) ب-۵) ولایت تصرف یا ولایت معنوی، نوعی اقتدار و تسلّط فوق العاده تکوینی است". (همان: ۷۵) "به اعتباری «امامت» و به اعتبار دیگری «ولایت» نامیده می‌شود. کلمه «امامت» در بسیاری از تعبیرات اسلامی در مورد همین ولایت معنوی به کار رفته است. مفهوم امامت مفهوم وسیعی است. امامت یعنی پیشوایی. یک مرجع احکام دینی پیشواست، همچنانکه یک زعیّم سیاسی و اجتماعی نیز پیشواست و همچنانکه یک مربی باطنی و راهنمای معنوی از باطن ضمیر نیز پیشواست. (همان: ۷۷) مقصود از «ربوبیت» خداوندگاری است نه خدایی. هر صاحب قدرتی خداوندگار آن چیزهایی است که تحت نفوذ و تصرف اوست العبودیه جوهره کنهها الربوبیه" یعنی همانا بندگی خدا و پیمودن صراط قرب به حق گوهری است که نهایت آن خداوندگاری یعنی قدرت و توانایی است. بشر همواره در تلاش بوده و هست که راهی پیدا کند که بر خود و بر جهان تسلّط یابد". (همان: ۱۰۱)، شهید مطهری مراحل تربیت ولایی را که شامل مراحل ولایت انسان بر خویشتن و پرامون است این گونه شرح می‌دهد: اولین مرحله این است که الهام بخش و تسلّط بخش انسان بر نفس خویشتن است؛ به عبارت دیگر، کمترین نشانه قبولی عمل انسان در نزد پروردگار این است که اوّلًا بینشی نافذ پیدامی‌کند، روشن و بینای خود می‌گردد؛ قرآن کریم

می فرماید: *ان تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا*. اگر تقوای الهی را داشته باشید، خداوند مایه تمیزی برای شما قرار می‌دهد. ثانیاً آدمی بر نفس و قوای نفسانی خویش غالب و قاهر می‌گردد، اراده انسان در برابر خواهش‌های نفسانی و حیوانی نیرومند می‌گردد، آدمی حاکم وجود خویش می‌شود لایقی نسبت به دایره وجود خودش کسب می‌کند. قرآن کریم درباره نماز می‌فرماید: *ان الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ*. اولین اثر عبودیت، ربوبیت و ولایت بر نفس اماره است. (همان: ۱۰۵) مرحله دوم، تسلط و ولایت بر اندیشه‌های پراکنده، یعنی تسلط بر نیروی متخیله است. از عجیب‌ترین نیروهای ما قوه متخیله است. مرحله سوم این است که روح در مراحل قوت و قدرت و ربوبیت و ولایت خود به مرحله‌ای می‌رسد که در بسیاری از چیزها از بدن بی‌نیاز می‌گردد در حالی که بدن صد در صد نیازمند به روح است. (همان: ۱۱۳)، امام صادق (علیه السلام) فرمود: ما ضعف بدن عما قویت علیه النیة. مرحله پنجم که بالاترین مراحل است این است که حتی طبیعت خارجی نیز تحت نفوذ اراده انسان قرار می‌گیرد و مطیع انسان می‌شود. معجزات و کرامات انبیاء و اولیاء حق از این مقوله است. (همان: ۱۱۵) ارتباط ربوبیت و ولایت، همسانی مقام مربی و ولی، ارتباط مفهوم تربیت با نگه داری و صیانت که از ویژگی‌های ولایت است؛ در اندیشه شهید مطهری تاکید دیگری بر هماهنگی و ارتباط معنایی نزدیک تربیت و ولایت است. با توجه به آن چه ذکر شد؛ می‌توان چنین استنباط نمود که از دیدگاه شهید مطهری، تربیت ولایی یک نوع عبودیت پروردگار بر پایه تنظیم روابط سه گانه ذیل است؛ که انسان را به ربوبیت می‌رساند: ولاء اثباتی خاص: یعنی قبول سرپرستی خداوند و اولیاء او، ولاء اثباتی عام یعنی تلاش برای محبت و دوستی بین مومنین؛ ولاء منفی: یعنی نفی ولایت طاغوت. بنابر این شهید مطهری به عنوان شاگرد امام خمینی، نگاهی جامعی را نسبت به مساله ولایت مطرح نموده است. ایشان از خودسازی که یک مقوله ولایی فردی است؛ تا اجتناب از تسلط طاغوت که از مقولات تربیت جهانی است را مورد بحث قرار داده است. بیشترین تصریحات ارتباط ولایت و تربیت در آثار شهید مطهری و خصوصاً در کتاب ولاء ها و ولایتها بدست می‌آید؛ چرا که ایشان در این کتاب اساس ارتباطات را با ناظر به تربیت انسان ذکر نموده اند.

د) دیدگاه جانشین امام خمینی (آیت الله خامنه ای)

آن چه از رهبر انقلاب برای تربیت ولایی قابل استنباط و اقتباس است؛ دیدگاه های نوآورانه، جامعه شناسانه و قرآن محور ایشان در خصوص ولایت است. ایشان ولایت را یک نوع ارتباط مستحکم و به هم پیوسته می دانند که خمیرمایه آن را ایمان تشکیل می دهد. "در اصطلاح اولی قرآنی، ولایت یعنی به هم پیوستگی و هم جبهه گی و اتصال شدید یک عده انسانی که دارای یک فکر واحد و جویای یک هدف واحدند، در یک راه دارند قدم برمی دارند، برای یک مقصود دارند تلاش و حرکت می کنند، یک فکر را و یک عقیده را پذیرفته اند. هر چه بیشتر این جبهه باید افرادی به همدیگر متصل باشند و از جبهه های دیگر و قطب های دیگر و قسمت های دیگر خودشان را جدا و کنار بگیرند، چرا؟ برای اینکه از بین نروند، هضم نشوند. این را در قرآن می گویند ولایت" (سایت اطلاع رسانی رهبر انقلاب، ۲۹/۰۲/۱۳۹۹) همچنین: (خامنه ای سیدعلی، ۱۳۹۶: ۵۲۰) "پیغمبر جمع مسلمان آغاز کار را، با این پیوستگی و جوشندگی به وجود می آورد، اینها را به همدیگر متصل می کند، اینها را با هم برادر می کند، اینها را به صورت یک پیکر واحد در می آورد، به وسیله ای اینها امت اسلامی را تشکیل میدهد، جامعه ای اسلامی را به وجود می آورد. از پیوند اینها با دشمن ها، با مخالفین، با معاندین، با جبهه های دیگر... جلوگیری می کند. مابین اینها و جبهه های دیگر جدایی می اندازد، از پیوستن به جبهه ی یهود، از پیوستن به جبهه ی نصارا، از پیوستن به جبهه ی مشرکین، اینها را بازمی دارد و هر چه بیشتر سعی می کند صفوف اینها را فشرده و به هم جوشیده بکند. برای چه؟ برای اینکه اگر اینها به این حالت نباشند، اگر ولایت نداشته باشند، اگر بهم پیوسته ی صد در صد نباشند، میان آنها اختلاف به وجود بیاید، از برداشتن بار امانتی که بر دوش آنهاست، عاجز خواهند ماند. نمی توانند این بار را به سر منزل برسانند". (همان) بر اساس شواهد ذکر شده از دیدگاه های ولایی رهبر انقلاب؛ می توان این تعریف را برای تربیت ولایی استنباط نمود که تربیت ولایی ایجاد پیوند و اتصال قلبی در روابط انسان ها با همدیگر است؛ طوری که نتوان در این پیوستگی خللی ایجاد نمود و وحدت و یکپارچگی را بر هم زد. این تعریف بیشتر از کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن اثر رهبر انقلاب اقبال استنباط است که در سایت اطلاع رسانی ایشان نیز قرار دارد. نگاه رهبر انقلاب به مساله ولایت یک نگاه نو و در تکمیل دیدگاه های امام خمینی است و چیزی بیشتر از تبیین آن ها است. دیدگاه ولایی ایشان نه

فقط بر فقیه عادل و نه فقط بر روابط ولایی مومنین استوار شده است؛ که ولایت را یک مساله ناظر به نتیجه و پیامد می دانند؛ بر اساس این دیدگاه، هرگاه نوعی انسجام و یکپارچگی و وحدت حقیقی و برحق بین امت شکل بگیرد؛ در واقع ولایت محقق شده است.

ه) دیدگاه همراهان امام (آیت الله جوادی آملی)

دیدگاه های تربیت ولایی آیت الله جوادی آملی بیشتر در کتاب شمیم ولایت که جمع آوری تحقیقات ایشان در خصوص ولایت اجتماعی است؛ بیشتر مطرح شده است. "اثبات ولایت یک جانبه برای همه انسان ها آسان است، زیرا هر انسانی با ولایت تکوینی بر خویش زندگی می کند. توضیح مطلب آن که انسان هر وقت بخواهد بدن خود را حرکت می دهد و هر زمان اراده کند، آن را به بستر می کشاند و سپس رابطه خود را با آن تا حد حیات گیاهی و یا تا حد ضعیفی از حیات حیوانی پایین می آورد و سپس به عالم رؤیا سفر می کند و با توجه به مرتبه قابلیت و صلاحیت خود، ره آوردهایی از عالم رؤیا به صورت رؤیاهای حسنه یا اضغاث احلام و خواب های پریشان و پراکنده به ارمان می آورد. یا تصرفاتی که انسان هر روز در بدن خود انجام می دهد، همه بر اثر ولایت است" (جوادی آملی، ۵۰: ۱۳۹۲) "انس ما به این مقدار از ولایت مانند انس ماهی به آب است. از این رو، همان گونه که ماهی از وابستگی حیات خود به آب غافل است، انسان نیز از ولایت تکوینی روح و اندیشه نسبت به بدن غافل است. مسأله تدبیر نفس نسبت به قوا و شئون درونی نفس، بیانگر ولایت نفس نسبت به بدن است؛ یعنی نفس ولی است و قوا و شئون نفس موکلی علیه او هستند. نسبت خدا با جهان آفرینش از جمله انسان نیز ولایت و تدبیر یک جانبه خدا بر انسان و جهان را اثبات می کند، زیرا انسان خود را در بسیاری از امور عاجز و ناتوان می بیند و چون عاجز می بیند، لازم می داند که خود را تحت تدبیر و ولایت ولی حقیقی قرار دهد تا او را سرپرستی کرده و تدبیر او را به عهده بگیرد و این ولایت را نیز، همانند ولایت نفس بر شئون و قوای انسان می یابد." (همان: ۴۱) "از این روایت (قرب نوافل) استفاده می شود که عبد سالک باید محبوب خدا شود تا بتواند بهره ببرد. بسیاری از سالکان هستند که محب خدا هستند، اما محبوب خدا نیستند. قرآن می فرماید: (إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ)؛ به دنبال حبیب خدا رفتن انسان را حبیب خدا می کند و وصول به این مرتبه طلیعه مقام ولایت است. [همان: ۷۲] شرط ورود در این حزب، پذیرش ولایت خدا، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان معصوم

(علیهم السلام) است.) کسی که از باطل دور باشد، باطل را به عنوان سرپرست اتخاذ نمی‌کند. چنان که درباره ولایت شیطان فرمود: (إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلِيُّ الْكَذِبِ يَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ) سلطنت او بر کسانی است که ولایت او را بپذیرند. (همان: ۲۳۵) جمع بندی این که اولاً ولایت وجود دارد. ثانیاً، انسان باید هوشیار باشد که ولایت چه کسی را بپذیرد و از ولایت چه کسی پرهیز کند تا در روز قیامت که روز ظهور حق و ولایت حق است، بدون ولی و سرپرست نماند. (همان: ۴۹) با بررسی دیدگاه‌های ایشان در ولایت اجتماعی، می‌توان این تعریف را برای تربیت ولایی استنباط و اقتباس نمود: تربیت ولایی، تربیتی است بر پایه سنت الهی سرپرستی و محبت که تکویناً در انسان نهادینه شده؛ و انسان فقط در این مسیر تکوینی، بین ولایت الله و ولایت طاغوت مخیر است؛ نه در اصل حضور ولایت در زندگی خود. بنابر این دیدگاه آیت الله جوادی املی مبنی بر تکوینی بودن ولایت برای همه بشریت است به این معنا که بشریت همواره نه تنها در هدایت دینی که در همه زمینه‌ها به سرپرست نیاز دارد حتی امور مادی؛ همه بشریت احساس می‌کنند که می‌توانند بر خودشان مسلط باشند و این همان معنای ولایت تکوینی به معنای عام آن است. بع از این مرحله، ولایت یک معنای ارزشی پیدا می‌کنند به طوری که بر اساس اهداف، وسایل و قصدها و نیتها، متصف به ولایت حق یا ولایت باطل می‌شود.

(و دیدگاه همراهان امام (آیت الله مصباح یزدی)

آیت الله مصباح یزدی دیدگاه‌هایی فلسفی و روان‌شناختی نسبت به ولایت اجتماعی دارند. ولایت از نظر ایشان شامل همه ابعاد وجودی انسان می‌شود. اساسی‌ترین مفهوم مورد نظر ایشان، اتصال و پیوند است: "اساساً ولایت معادلی در فارسی ندارد و گاه به دوستی و گاه به سرپرستی و گاه نصرت و ... معنا شده است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۲۸۶) "ولایت" از ماده «ول ی» بوده و آن در هنگامی است که دو چیز در کنار هم یا پشت سر هم به گونه‌ای قرار گیرند که مانعی بین آنها نباشد؛ برای مثال گفته می‌شود: هذا العدد يلي عدداً آخر؛ یعنی: این عدد دنبال عدد دیگر است؛ مانند عدد سه که دنبال عدد دو است. برای توضیح آن می‌توان از واژه‌های «ارتباط»، «پیوند» و «اتصال» استفاده کرد که البته هیچ کدام معادل دقیقی برای این کلمه نیستند. هر گاه این واژه در مورد دو موجود ذی شعور، مانند دو انسان، به کار رود، بدان معنا است که یک رابطه قوی بین آن دو وجود دارد که تمام شوون وجودی ایشان را فرا گرفته است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۲۸۸) ایشان

درباره ولایت، از یک نوع رابطه خاص سخن می‌گویند که با رابطه انسان با اشیاء کاملاً متفاوت است: "رابطه‌ای که در این حالت بین دو انسان وجود دارد با رابطه‌ای که بین دو جسم وجود دارد متفاوت است. به دیگر سخن، ماده «ول‌ی» معنای عامی دارد که هر گاه در مورد انسان به عنوان یک موجود ذی‌شعور به کار رود، باید شئون انسانی را در پیوند دو انسان مدّ نظر قرار داد. پیوند مورد نظر پیوندی است که دو انسان را چنان به هم نزدیک می‌کند که هیچ مانعی بین آن دو باقی نمی‌ماند. شئون اصلی انسان را می‌توان سه چیز دانست: ۱. شناخت (بینش) ۲. عواطف و میل‌ها (گرایش) ۳. کنش که حاصل جمع و برآیند دو مورد قبل، یعنی بینش و گرایش است. هر گاه ماده «ول‌ی» در مورد دو انسان به کار رود بدان معنی است که آنها تا بدان حد به یکدیگر نزدیک شده‌اند که در امور سه‌گانه فوق یکی گشته‌اند؛ یعنی شناخت‌ها و معرفت‌های ایشان شبیه هم است، عواطف و احساسات آنها به هم آمیخته و همدیگر را دوست دارند و در نهایت رفتارشان نیز مشابه هم است. مفهوم حقیقی ولایت بیان‌گر چنین رابطه‌ای است". (همان: ۲۹۰) در دیدگاه ایشان، ولایت یک ارتباط دو طرفه بین انسان‌ها است و مومنین نسبت هم رابطه ولایی دارند: "بنابراین رابطه ولایت، رابطه‌ای طرفینی است و دو طرف نسبت به یکدیگر دارای تاثیر و تاثر هستند. طبیعی است وقتی دو دوست فکشان یکی و عواطف آنها مشترک شد، در عمل و رفتار یکدیگر اثر می‌گذارند. هم این در او اثر می‌گذارد و هم او در این موثر است: و المومنون و المومنات بعضهم اولیاء بعض؛ و مردان و زنان با ایمان، اولیای یکدیگرند. هم این مومن ولی آن مومن است و هم آن مومن، ولی این مومن است و هر دو در یکدیگر اثر می‌گذارند. البته موجود ذی‌شعور تنها به انسان اختصاص ندارد و گاه ممکن است این رابطه بین «انسان» و «خدا» به وجود بیاید. تبیین رابطه ولایت بین «خدا» و «انسان» در مواردی که رابطه «ولایت» بین «انسان» و «خدا» برقرار می‌شود، آیا این رابطه بدان معنا است که خدا در ما اثر می‌گذارد و ما نیز در خدا اثرگذار هستیم؟! پاسخ روشن است: مسلماً در این حالت، تعامل و تفاعل در میان نیست، بلکه تاثیرگذاری تنها از جانب خدا است. رابطه ولایت بین انسان و خدا بدین معنی است که شناخت انسان، شناخت خدایی، محبتش محبت خدایی و رفتارش رفتار خدایی می‌شود. چنین انسانی خدا را بیش از همه دوست دارد: و الّذین آمنوا اشدّ حبّاً لله؛ کسانی که ایمان آورده‌اند به خدا محبت بیشتری دارند؛ بنابراین در رابطه ولایت بین خدا و انسان، خدا از انسان تاثیر نمی‌پذیرد و اساساً خداوند تحت تاثیر هیچ موجودی

واقع نمی‌شود. البته در این جا نیز ولایت طرفینی است". (همان: ۲۹۱) بنابراین در این دیدگاه حتی رابطه ولایی انسان با خدا هم دوطرفه است با این تفاوت که ولایت خدا با انسان رابطه حب است. "هم گفته می‌شود: الله ولی الذین آمنوا؛ و هم گفته می‌شود: اشهد ان علیا ولی الله و یا: الان اولیاء الله لاخوف علیهم و لاهم یحزنون؛ آگاه باشید که بر اولیای خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند؛ اما با وجودی که در این جا نیز ولایت، طرفینی است، تاثیر تنها از یک طرف است. به دیگر سخن، رابطه اتصال و پیوند دو طرفی است، هم انسان به خدا و هم خدا به انسان نزدیک است؛ ولی تاثیر و تاثر، طرفینی نیست. علاوه بر دو فرد انسان، یا خدا و انسان، رابطه ولایت گاهی نیز بین «فرد» و «جامعه» برقرار می‌شود: النبی اولی بالمومنین من انفسهم؛ پیامبر به مومنان از خودشان سزاوارتر (و نزدیک تر) است. در این جا یک طرف رابطه ولایت، شخص «پیامبر» و طرف دیگر آن «امت اسلامی» است. گاهی از این ولایت به «ولایه النبی علی الامه» تعبیر می‌شود. به طور کلی هر گاه «ولایت امر» گفته می‌شود، ارتباط مجموعه‌ای از انسان‌ها با «ولی امر» منظور است؛ بنابراین «ولی امر مسلمین» کسی است که دارای ارتباط نزدیک و محکم با مردمی است که در امور اجتماعی و سیاسی، بدون هیچ فاصله‌ای پشت سر او حرکت می‌کنند و از او اثر می‌پذیرند". (همان: ۲۹۲) طبق آن چه ذکر شده؛ بر اساس دیدگاه‌های آیت الله مصباح می‌توان برای تربیت ولایی تعریفی استنباط و اقتباس نمود: تربیت ولایی نوعی تلاش برای اتصال و پیوند با اولیاء الهی است که طی آن، انسان در سه شان بینش، گرایش و کنش با اولیاء الله به وحدت می‌رسد. دقت در معنای رابطه مستحکم با مردم از طرف ولی جامعه، دیدگاهی مشابه پیوند و انسجامی است که از نگاه رهبر انقلاب ذکر شد. در این دیدگاه‌ها: اولاً ولایت دوطرفه است؛ دوماً یک اتصال و ارتباط حقیقی است؛ و سوماً ناظر به پیامد و خروجی اتحاد و انسجام است.

(ز) برآیند تعریف تربیت ولایی در مکتب امام خمینی

بر اساس تحلیل محتوای تالیفات و بیانات امام خمینی، استاد و شاگردان ایشان و آن چه به عنوان منتخب برخی واحدهای تحلیلی آن ارائه شد؛ می‌توان این جمع بندی از تعریف تربیت ولایی را به صورت یک استنباط و اقتباس ارائه داد: تربیت ولایی رویکردی تربیت است شامل عناصر ذیل: ایمان، سرپرستی، حب و دوستی، انسجام و یکپارچگی، فطری، دارای شئون خاص و عام، دارای شئون اثباتی و سلبی، دارای ابعاد طولی و عرضی، در ارتباط تنگاتنگ با ایمان و عمل

صالح، در معنای نگه داری و صیانت، در معنای نجات و دستگیری، در معنای نزدیک بودن و نزدیک شدن، در معنای اتصال و پیوند، در معنای اتصاف و تشبه. حال با در نظر گرفتن این عناصر ولایی می توان به ترکیب این عناصر پرداخته و به تعریف یا تعاریفی از تربیت ولایی دست یافت. تربیت ولایی نوعی تربیت فطری مبتنی بر مسئولیت خود و دیگران در ارتباط و اتصال با اولیاء خدا است؛ که از سرپرستی انسان بر خویشتن و حب ذات شروع شده و در نهایت به مقام ولایت الله و اتصاف به اوصاف او ختم می شود. این نوع تربیت در این میانه، در دو بعد عرضی و طولی اخوت و امامت، تجلی اجتماعی پیدا می کند که هدف آن ساختن امت اسلامی است.

۲- چارچوب تربیت ولایی

الف) ایمان به عنوان هدف تربیت ولایی

بر اساس تعریفی که امام خمینی از ایمان دارد روشن می شود که ایمان یک هدف برای تعلیم و تربیت است. از نظر امام: ایمان، تنزل علم عقلانی به مرتبه قلب است و قلب، آن مرتبه تجرد خیالی است که در آن مرتبه، معقول را به صورت جزئی می یابد و این مرتبه لوح نفس است که اگر در لوح نفس چیزی منتقش گردید، یعنی نفس در مرتبه خیال با آن معقولی که در مرتبه عقلانی تعقل کرده اتحاد پیدا نماید، همان ایمان است؛ چون ایمان، به محض درک و علم حاصل نمی شود. (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۲۰۵) در واقع ایشان ایمان را یک معرفت جزئی تنزل یافته از علم عقلانی (که کلی است) می داند که در نفس انسان منشا اثر می شود و موجب اتحاد نظریه و عمل انسان می شود. از اندیشه های امام خمینی چنین استنباط شده است که نخستین ویژگی شجره طیبه؛ با ثبات بودن ریشه و مستحکم بودن اصل آن است و در واقع همه پدیده هایی که مخلوق خداوند هستند، طیبه است همچنین ایمان و عقیده در پرتو دانش و علم با تکیه بر عبودیت ویژگی دوم شجره طیبه است. (پرتال امام خمینی، ۱۳۹۳/۰۵/۱۳) همچنین از نظر آیت الله سبحانی شاگرد امام خمینی؛ در رابطه ولایی انسان با خود عالی خویشتن، نخستین اثر عبودیت، تسلط انسان بر خواهش های نفسانی خود است؛ که به عنوان ولایت انسان بر نفس نامیده می شود و این اثر ایمان است. در این رابطه حدیث معروفی است که: "العبودیه جوهره کنهها الربوبیه" (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۵: ۱۳۸۵) و رابطه او با خود دانی اش (نفس سفلی) با عنوان تعبد نسبت به هوای نفس: "أَرَأَيْتَ مَنْ

أَتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ" (فرقان ۴۳) رابطه ولایی انسان با خداوند رابطه انسان با خداوند و مقام معنوی انسان نزد او به عنوان ولایه الله و یا قرب الی الله نامیده می‌شود که غایت تربیت اسلامی هست؛ لازم به ذکر است که در کتابهای لغت، معنای محوری ولایت، قرب و قرابت و تقرب است. (حق جو، ۱۳۸۹: ۳۵). در این نوع رابطه دو معضل اساسی روان شناختی انسان یعنی امکان عارضه ترس و حزن از نفس انسان ممتنع می‌شود. "أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ" (۶۲ یونس) رابطه ولایی انسان با الگوهای مثبت (انسان های شایسته) مانند آیه شریفه "إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ" (مائده، ۵۵) رابطه ولایی انسان و الگوهای منفی (انسان های ناشایست) "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ" (ممتحنه، ۱) این نوع ولایت منفی با عنوان طاغوت مطرح است: "وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاءُ هُمُ الطَّاغُوتُ" (بقره ۲۵۷) "الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ" (توبه، ۶۷) نتیجه تربیتی این نوع ولایت این است که افراد همدیگر را به بدی ها امر نموده و از خوبی ها باز می‌دارند؛ و در رابطه با انسان های ناشایست به عنوان ولایت طاغوت مطرح است. رابطه ولایی انسان با مومنین که در آیه شریفه "وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ" (توبه، ۷۱) عنوان شده است و نتیجه این ولایت طرفینی امر به خوبی ها و نهی از بدی ها است؛ و یا آیه "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ" (حجرات، ۱۰) که از آن به اخوت تعبیر می‌شود. ولایت در رابطه انسان با انسان کامل و جانشینان او با الگوی رابطه ماموم و امام ظاهر می‌شود. حتی رابطه ولایی جامعه مومنانه با ماوراء الطبیعه که به استخدام عوامل ماوراء طبیعی منجر می‌شود: "بَلَىٰ إِنَّ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ" (آل عمران، ۱۲۵) رابطه ولایی عام انسان مومن و غیرمومن با طبیعت و لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْكَبْرِ وَالْبَحْرِ (اسراء، ۷۰) "أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ" (حجج، ۶۵) "هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا" (هود، ۶۱) رابطه انسان با طبیعت نیز تحت عناوین متعددی مثل تسخیر و استعمار (آبادانی) برای عموم و ولایت تکوینی برای خواص عنوان شده است که همگی از شقوق ولایت (تسلط و سرپرستی و تسخیر) هستند. همان طور که مشاهده می‌شود علی رغم این که گستره مفهومی ولایت طوری است که می‌تواند تمام معارف دینی را در خود جانمایی کرده و مانند نخ

تسیحی همه آن‌ها را به همدیگر متصل کند؛ از جایگاه لازم در محافل علمی برخوردار نیست؛ مثلا وظایف تبعدی در فقه همگی بایستی با نیت قرب الی الله انجام شود و الا مورد قبول قرار نمی‌گیرد. ولایت با بسیاری از مفاهیم مهم تربیت دینی ارتباط وثیق دارد مثلا ایمان، محوری ترین مفهوم ملتزم با ولایت است طوری که خدای متعال ولایت خود را شامل حال مومنین نموده است "اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا" (بقره، ۲۵۷) با کمک سایر آیات و روایات به دست می‌آید که مومن به تناسب ایمان خود از اولیاء الله است و به همان میزان از خواص، آثار، ثمرات، لوازم و مقدمات آن برخوردار بوده و یا باید باشد. بنابر این اگر ایمان درست تبیین شود و انسان‌ها در مدار صحیح ایمان قرار بگیرند خود به خود وارد جریان ولایت الله شده‌اند و مشمول ثمرات آن خواهند شد. "وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَأَتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ" (اعراف ۹۶) ولایت از طرفی با ابتلاء همبستگی مستقیم دارد؛ "وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا" (بقره ۱۲۴) طوری که هر میزان ولاء اثباتی انسان اشتداد پیدا می‌کند بلا یابی او نیز افزایش پیدا می‌کند. "إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بِلَاءَ الْأَنْبِيَاءِ ثُمَّ الَّذِينَ يُؤْمِنُكُمْ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَأَلْأَمْثَلُ" (کافی، ج ۲، ص ۲۵۳). یکی از ظرفیتهای دیگر بحث ولایت که کمتر به آن توجه شده است؛ مقام امامت و خصوصا امامت غیر معصوم است که در زندگی اجتماعی عادی جامعه جریان دارد و عناوین منصوسی مانند امام جماعت و امام جمعه و یا کسی که خود را مربی دیگران قرار می‌دهد نیز شامل آن هستند و از همه آن‌ها به امام تعبیر شده است. مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ تَعْلِيمَ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ سِيرَتَهُ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنَ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ (نهج البلاغه) به قول شمس تبریزی، مرشد مولوی: ولایت آن را باشد که او را بر خویش ولایت باشد. (اعوانی، ۱۳۹۷: ۲۸۱) یکی دیگر از مسائل مهمی که در تربیت اسلامی با نگاه ولایی بسیار جلوه دارد ولی متاسفانه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد زیبایی شناسی است. به طور مثال ابتلاء که قبل از این ذکر شد؛ در اهل ولاء نه تنها موجب رنجش که موجب خشنودی است و نه تنها زشت نیست که زیبا است. عبارات اعجاب برانگیزی مانند "ما رایت الا جمیلا" (قمی عباس، ج ۱، ۳۷۱: ۱۴۱۲) بعد از سخت ترین مشکلات و مصائب نشان می‌دهد که در میدان ولایت زیبایی ها طور دیگری جلوه گر می‌شوند. همان طور که ذکر شد لقمان از کسانی است که به واسطه ایمان توانسته است مالک نفس خود باشد. بنابر این، ایمان به عنوان یک قله برای خودسازی و مقام

ولایی برای امامت به معنای عام یا همان مربی‌گری دیگران، اهمیت ویژه‌ای دارد و می‌تواند به عنوان هدف تربیت ولایی باشد که همه عناصر دیگر این چارچوب تربیتی، همگی بر آن استوار شوند؛ مثلاً حکمت که محتوای تربیت ولایی را تشکیل می‌دهد از ایمان می‌جوشد، امامت و اخوت تجلیات اجتماعی ایمان هستند و مسجد و امت اسلامی به عنوان عرصه‌های تربیت ولایی، بر ایمان استوار شده‌اند. جهان بینی ایمانی که در نتیجه یک جهان بینی عقلانی نهادینه شده در قلب است؛ ویژگی‌های خاصی به انسان عطا می‌کند که مهترین آن‌ها تسلط انسان بر نفس خویش یا همن ولایت بر نفس است. به عبارت دقیق‌تر، نفس انسانی معرفتی و مقامی پیدا می‌کند که می‌تواند قوای طبیعی انسان را به خدمت تعالی و رشد انسان قرار دهد.

ب) حکمت به عنوان محتوای تربیت ولایی

امام خمینی، انبیاء را با هدف آموزش و پرورش و حکمت را درون مایه تعالیم آن‌ها می‌داند. " (امام خمینی، ج ۱۲، ۱۳۸۹: ۴۹۲) رهبر انقلاب، معلم خوب را معلم حکیم می‌داند یعنی کسی که آن چه را دیگران به راحتی درک نمی‌کنند درک کند. معلم حکیم را معلمی می‌سازد؛ یعنی معلمی که مسیر را بر دیگران آسان کند و آن چه را به حالت عادی درک نمی‌شود به دیگران راهنما گردد. " (رهبر انقلاب، ۱۳۸۷/۰۲/۱۲). از بیان استاد مطهری و مقایسه آن با ولایت الهی به دست می‌آید که حکمت الهی ذیل صفت ولایی او است چنان که "حکمت خداوند و اینکه ذات اقدس الهی مخلوقات را برای غایت و هدفی آفریده است، حکمت الهی ایجاب می‌کند که موجودات را به کمال لایق و غایت ممکنشان سوق دهد. " (مطهری، ۱۳۸۹: ۵۶) این معنا در ولایت نیز هست که مهمترین معادل آن قرب الی الله و خداوند هدایت مومنین از ظلمات به سوی نور را ویژگی ولایت خود ذکر می‌کند. "الله ولی الذین آمنوا یخرجهم... " حکمت یک ویژگی خاص دارد و آن این است که علیرغم این که خدای متعال همواره دنیا و متاع آن را را کوچک و قلیل دانسته است ولی از حکمت به عنوان خیر کثیر نام می‌برد. " و مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا " امام باقر (ع) این نوع حکمت را معادل معرفت می‌داند. (ری شهری، ج ۳، ۱۳۸۹: ۱۸۰) رسول الله صلی الله علیه و آله فی لیلَةِ المعراج: یا رَبِّ، وما میراثُ الصَّوْمِ؟ قال: الصَّوْمُ یورِثُ الحِکْمَةَ، والحِکْمَةُ تورِثُ المَعْرِفَةَ، والمَعْرِفَةُ تورِثُ الیقینَ. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در شب معراج: پروردگارا! امتیازهای روزه چیست؟ خداوند فرمود: روزه حکمت می‌آورد و حکمت، شناخت و شناخت،

یقین. (ری شهری، ۱۳۸۲: ۲۰۶)، حکمت با لذت جویی های بی رویه همراه نمی شود در این معنا از حکمت نوعی ولایت بر خود و تسلط بر نفس دیده می شود: رسول الله صلی الله علیه و آله: الْقَلْبُ يَتَحَمَّلُ الْحِكْمَةَ عِنْدَ خُلُوقِ الْبَطْنِ؛ الْقَلْبُ يَمُجُّ الْحِكْمَةَ عِنْدَ امْتِلَاءِ الْبَطْنِ. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: وقتی شکم خالی باشد، قلب، بار حکمت می کشد و آن گاه که پر باشد، قلب، حکمت را برمی گرداند. (ری شهری، ۱۳۸۶: ۶۸). عنه صلی الله علیه و آله: مَنْ أَكَلَ الْخَلَالَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ وَأَجْرِي يَتَابِعُ الْحِكْمَةَ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس چهل روز حلال خورد، خداوند، دلش را نورانی می گرداند و چشمه های حکمت را از دل او بر زبانش جاری می سازد. الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عن رسول الله صلی الله علیه و آله: ما أَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، إِلَّا جَرَتْ يَتَابِعُ الْحِكْمَةَ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ. امام رضا علیه السلام - به نقل از پدرانش عليهم السلام -: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ بنده ای، چهل روز برای خدا اخلاص نوزید، مگر آن که چشمه های حکمت از دلش بر زبانش جاری شد» حکمت نوعی ارتقای درجات وجودی و اشتداد حیات انسانی است: الإمام علی علیه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ -: إِذَا كَانَ الْآبَاءُ هُمْ السَّبَبُ فِي الْحَيَاةِ، فَمُعَلَّمُو الْحِكْمَةِ وَالَّذِينَ هُمْ السَّبَبُ فِي جَوَدَتِهَا. امام علی علیه السلام - در حکمت های منسوب به ایشان -: اگر پدران سبب حیات باشند، آموزگاران حکمت و دین، سبب نیکویی آن هستند. (ری شهری، ۱۳۸۲: ۶۰۸)، حکمت ارتباط وثیقی با ولایت (به معنای نبوت و امامت) دارد از این جهت که از ماموریت های اصلی اولیاء است: ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (نحل: ۱۲۵)، علما واسطه حکمت هستند: الإمام الصادق علیه السلام: بَيْنَ الْمَرْءِ وَالْحِكْمَةِ نِعْمَةُ الْعَالِمِ، وَالْجَاهِلُ شَقِيٌّ بَيْنَهُمَا. (همان: ۶۱۰) امام صادق علیه السلام: [حلقه وصل] میان انسان و حکمت، نعمت [وجود] عالم است؛ و شخص نابخرد میان این دو (حکمت و عالم)، [بی بهره و] بدبخت است. الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَحَقَّقَ حُبَّنَا فِي قَلْبِهِ، جَرَى يَتَابِعُ الْحِكْمَةَ عَلَى لِسَانِهِ، وَجُدَّدَ الْإِيمَانُ فِي قَلْبِهِ. (همان: ۶۱۵) هر که ما اهل بیت را دوست بدارد و مهر ما را در قلبش جای دهد، چشمه های حکمت بر زبانش جاری می گردند و ایمان در دلش نو می شود نباید از خاطر دور داشت که یکی از معانی ولایت، حب و محبت است. حکمت ارتباط وثیقی نیز با ایمان دارد از این جهت که گمشده مومن است: عنه علیه السلام: خُلِدِ الْحِكْمَةُ أَنِّي كَانَتْ؛ فَإِنَّ الْحِكْمَةَ ضَالَّةٌ كُلُّ مُؤْمِنٍ (همان:

۶۲۰). امام علی علیه السلام: حکمت را هر کجا یافتی فراگیر. به درستی که حکمت، گمشده هر مؤمن است. با توجه به تعریف تربیت ولایی و معنای حکمت می توان برخی ویژگی ها را برای محتوای تربیت ولایی از منابع دینی استخراج نمود:

۱. وحدت آفرینی: حرکت به سمت یکپارچه سازی، ادغام، وحدت آفرین، جهت گیری فرآیندی و تعاملی در سطح کشور و جهان اسلام نسبت به نهادهای نرم افزاری علم و دین و نهادهای سخت افزاری مدرسه، دانشگاه و حوزه علمیه. "العلم و الایمان اخوان توامان" (ری شهری، ج ۱۴، ۱۳۹۱: ۳۵۳)

۲. تربیت تمام ساحتی: همان طور که در مبانی نظری ذکر شد، شجره طیبه در قرآن اقتضای یک تربیت تمام ساحتی است. (مکارم شیرازی، ج ۱۰، بیتا: ۳۳۱) بازگشت به اصالت دینی از طریق مطرح ساختن "حکمت برای کودکان" به جای فلسفه برای کودکان (فبک) چرا که حکمت تمام ابعاد وجودی کودک را در بر گرفته و شامل تغذیه، خواب، سخن گفتن، اندیشیدن و همه چیز مورد نیاز او می شود ولی فلسفه برای کودکان صرفاً شامل پرورش ذهن است. خدای متعال درباره اعطای حکمت و اعطای منصب نبوت هم به کودکان ابایی نداشته است؛ و درباره یحیی (ع) در سن کودکی فرموده است: "يُحْيِي خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَ ءَاتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا" (مریم: ۱۲)

۳. آزادسازی: مولی از ریشه ولایت، معادل ملّا در اصطلاح عامیانه است؛ که قرن های متمادی در فرهنگ ایرانی به فعالان تعلیم و تربیت دینی اطلاق می شده است. (ابن دهبش و مکی، ج ۲، ۱۴۳۰: ۱۰۴)؛ همان طور که در مبانی نظری ذکر شد؛ یکی از معانی مولی، معتق یا آزادی بخش است. (حسینی طهرانی، ۱۴۲۶: ۱۰) بنابر این اگر نتوانسته باشد معلم خود را از قید و بندهای مادی و تنگ نظری های آن، رها کند؛ نمی تواند به رهاسازی متعلمین کمک کند. چرا که معطی الشیء لیس فاقد له. (ملاصدرا، ۱۳۶۰: ۴۷۹)

۴. خلاقیت: یکی از دستاوردهای مهم "حکمت"، خلاقیت است. چرا که حکمت مانند فلسفه، معارف اسلامی، دانش های نظری و... نیست که فقط جنبه ذهنی داشته باشد. حکمت نوعی جوشش معرفت از درون مرتبی است که بر اثر خودسازی، عمل صالح و تحقیق و تلاش و مجاهدت حاصل می شود (محمدی ری شهری، ج ۱، ۱۳۸۲: ۱۱۶) و در نتیجه به نفس انسان

خلافت اعطا می گردد. (طالقانی، ج ۲، ۱۳۷۳: ۵۷۱) خلافت یک امر حقیقی و منحصر به فرد شخصی است که نمی تواند صرفاً محصول پرورش ذهنیات دانش آموز، طلبه، دانشجو، پامبری و یا هر متعلم دیگری باشد. بنا بر این توجه به دو بعد نظری و عملی برای دستیابی به حکمت ضروری است.

۵. همیاری: یکی از معانی ولایت، نصرت است که در قرآن کریم بارها مشتقات ولایت و نصرت با هم ذکر شده اند. (حسینی طهرانی، ۱۴۲۶: ۱۰) یکی از نتایج تربیت ولایی نگاه به تربیت به عنوان یاری گری و نصرت انسان ها است. هیچ یاری ای نمی تواند به اندازه رشد فکری و اصلاح گرایشی و رفتاری انسان ها برای آن ها مفید باشد. وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا. (مائده: ۳۲)

تمثیل قرآن کریم از لقمان که فردی غیر معصوم است، به عنوان یک حکیم، نشان می دهد؛ اولاً حکمت از توحید و ایمان می جوشد چرا که اولین موعظه لقمان همین است؛ دوماً این دستاورد برای هر کسی قابل دسترس است و ثالثاً حکمت خود از ایمان بر می خیزد و برای دستیابی به آن نیاز به وحی به معنای خاص آن نیست. بنابر این حکمت یک نوع معرفت درونی باشد که انسان در اثر عمل به دست می آورد. این معرفت، نوعی معرفت دینی - تجربی است. روشن است که بسته به جایگاه اولیاء الهی، این حکمت پرنگ تر و قابل اعتمادتر خواهد بود. عقلانیت که مقدمه ایمان است ممکن است قابل انتقال باشد ولی ایمان قابل انتقال نیست چرا که یک رسوخ درونی معرفت از عقل به قلب است که فقط خود فرد از آن آگاه است و بر مریبان غیرمعصوم پوشیده است. نه ایمان و نه حکمت هیچ کدام اجباری و تحمیلی نیستند ولی دستیابی به آن ها انسان ها در یک مسیر کلی وحدت بخش می برد چرا که حکمتهای برخاسته از ایمان در تایید و تکمیل همدیگر خواهد بود و وحدت (توحید) خواهد رسید که مضمون اصلی ایمان است.

ج) شبکه امامت به عنوان مدیریت تربیت ولایی

مطرح شدن لقمان به عنوان یک اسوه حکیم در قرآن کریم و تاکید بر مواعظ او در قرآن کریم، زمینه ساز افق جدیدی در تعلیم و تربیت پیش وی امت اسلامی قرار می دهد که در ادوار دسترسی محدود به انبیاء و ائمه معصوم خصوصاً در عصر غیبت، امامت عام را در نظر داشته باشند؛ مثلاً سلمان و ابوذر به عنوان دو الگوی تربیت ولایی بعد از پیامبر به عنوان لقمان امت معرفی شده

اند. (انصاریان، ج ۱۱، ۱۳۸۶: ۲۱۵) (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۹۴) ولایت عام در دوران جدید توسط امام خمینی ارائه و تنظیم شد. انسان مومن در اتصال طولی امامت و اتصال عرضی اخوت، مختصات هویتی خود را پیدا می‌کند. "بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِنَ النَّاسِ" (آل عمران: ۱۱۲). به نظر می‌آید تفاوت ولایت امام و عناوین خاص تربیتی دیگر مانند پیام رسان، هادی، معلم و ... این باشد که امام مسئولیت ایصال الی المطلوب دارد ولی سایرین به ارائه الطریق بسنده می‌کنند. (سبحانی تبریزی، ۱۳۴۱: ۴۰۳) سایر مکاتب تربیتی خصوصاً غربی‌ها تربیت را محدود به دوران کودکی می‌دانند ولی در تربیت ولایی، تربیت واقعی پس از بلوغ و اختیار و آگاهی آغاز می‌شود. برای این هدف نیز سه نوع رهبری پیش بینی شده است که به صورت طولی و به ترتیب عبارتند از امامت انبیاء، امامت معصومان و امامت جانشینان آن‌ها که مریبان تربیتی ذی صلاح می‌باشند. (عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۹۱، ۷۰) از اهمیت سلسله مراتب ولایت و امامت طولی همین بس که بدون شناخت توحید نمی‌توان به معرفت نبوت رسید و بدون معرفت نبوت نمی‌توان به معرفت امام رسید و بالعکس. (اللهم عرفنی نفسک...) (اسماعیل تبار، ۱۳۸۸، ۸۷) اتصال امام مسجد به شبکه امامت جامعه، بسیار اهمیت دارد. داشتن امام جماعتی که دارای دانش دینی و علوم روز و دارای سابقه تربیتی و آموزشی باشد؛ نکته کلیدی همه مساجد تربیتی موفق در طول تاریخ است. بر اساس مستندات تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی، امام محوری اساس تشکیلات تربیتی مسجدی بوده است؛ مثلاً مدارس مسجد محور چین در شهر جینگ تانگ که در تاریخ مدارس مسجد محور ذکر شده است؛ از استاد الاساتید یا معلم معلمان به عنوان امام مدرسه نام برده شده است. (رجی استایت^۱، ۱۹۹۹: ۸۱) محدود ندیدن مسئولیت مسجد به فضای فیزیکی مسجد و تسری مسئولیت آن در سطح محله و جامعه نیز از لوازم تربیت ولایی محسوب می‌شود؛ چرا که بدون مسئولیت‌پذیری تربیتی نسبت به اطراف، از آن جا که فلسفه وجودی شبکه امامت نجات است؛ صلاحیت ائمه جامعه دچار خدشه می‌شود. در همین راستا، شهید قاسم سلیمانی (شهید راه مسجد الاقصی، پیرو امام جامعه و اخ صدیق امت اسلامی) (۱۳۹۶) در اجلاس جهانی مسجد می‌گوید: "محیط هر مسجد ۱۰ کیلومتر مربع است نه ۲۰۰ متر" (سلیمانی قاسم، ۱۳۹۶) ارتباط با جامعه خصوصاً مراکز آموزشی مثل مدارس، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه (تجربه مساجد تربیتی امروزه) و دغدغه مندی نسبت به

1.Regie stites

مسائل روز مردم و پیگیری مشکلات آن‌ها، از جمله نکات کلیدی نهفته در معنای ولایت، امامت و اخوت است که در فلسفه مسجد نهفته است. مساجد در سطوح مختلف محل استقرار امام هستند؛ چه امام جماعت، چه امام جمعه، چه امام امت و چه امام معصوم و نبی که وظیفه جهانی دارند. از آن جا که امامت مسئولیت هدایت و راهبری معنوی همه آحاد جامعه را عهده دار است؛ برای مسجد نیز حریم تعیین شده است یعنی هیچ نقطه‌ای از جغرافیای جامعه اسلامی نمی‌تواند از تحت پوشش تربیتی مسجد خالی باشد. (همان: ۵۲) "حُسن ولایت" یکی از مفاهیم مهمی است که در ارتباط تنگاتنگ با مفهوم مسئولیت و سرپرستی تربیتی در منابع دینی وجود دارد. امام سجاد علیه السلام در صحیح سجاده از خداوند می‌خواهد به او حسن ولایت عطا کند. "و سمنی حسن الولایه" (علی بن الحسین (ع)، ۱۳۹۲: ۱۴۸). در روایتی از رسول خدا نقل شده است که: أَتَصْلِحُ الْأِمَامَةَ إِلَّا لِرَجُلٍ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَ حِلْمٌ يَمْلِكُهُ بِهِ غَضَبُهُ وَ حُسْنُ الْوَلَايَةِ عَلَى مَنْ يَلِي حَتَّى يَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ. وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى حَتَّى يَكُونَ لِلرَّعِيَّةِ كَالْأَبِ الرَّحِيمِ. امامت در کسی تحقق نمی‌یابد مگر این که سه خصلت داشته باشد: ورع، حلم و حُسن ولایت نسبت به کسانی که مسئولیت آن‌ها را عهده دار است طوری که مانند یک پدر مهربان با آن‌ها برخورد کند. (کلینی، ج ۲، ۱۳۸۷: ۲۹۶) مساله تعلیم و تربیت معلمان و مربیان در تربیت ولایی اهمیت ویژه‌ای دارد طوری که هیچ کس در هیچ مقامی بدون مربی و معلم نیست. چنان که در روایات است که "هلک من لیس له حکیم یرشده" (بحر العلوم، ۱۴۱۸: ۱۲۳) مسئولیت‌پذیری همگانی در تعلیم و تربیت، ذیل این روایت مشهور نیز تأیید و تکمیل می‌شود طوری که در این روایت نیز از مسئولیتهای ولایی سخن به میان می‌آید: "کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة". (پاینده، ۱۳۸۲: ۶۱۱) مساله امامت امام زمان و میراث فکری امام خمینی در سند تحول بنیادین اشاره شده است. (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰: ۱۵ و ۱۶) بر اساس روایت: "من نصب نفسه للناس اماما فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره" (ابن میثم، ج ۵، ۱۴۰۴: ۲۷۵)؛ امامت، به معنای عام و عرفی آن در تعلیم و تربیت جامعه مطرح بوده و معلم مذهب در هر موقعیتی، نقش امامت عام آن موقعیت را دارد و طبیعتا بایستی شرایط امامت را در خود ایجاد کند که بر اساس حدیث نبوی یکی از آن‌ها حسن ولایت است و به موجب آن باید با همه متعلمین مانند پدری مهربان برخورد نمود. (کلینی، ج ۲، ۱۳۸۷: ۲۹۶) امامت به معنای از بالا به پایین نگاه کردن به

دیگران و سلطنت نیست؛ بلکه پیامبران الهی از در برادری با مردم تعامل می کردند: *وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمُ هُودًا* (اعراف: ۶۵)، *وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمُ صَالِحًا* (هود: ۶۱) در واقع، امامت که متکلمین آن را بر قاعده لطف الهی بر بندگانش استوار کرده اند. (علامه حلی، ۱۳۸۲: ۱۰۶) در امت اسلامی به عنوان یک مدرسه بزرگ (قاعده: عالم مدرسه است)، هرکسی می تواند در حیطه تحت تاثیر خود برای علم آموختن و علم آموزی به دیگران نقش داشته باشد و همزمان امام و ماموم باشد. در این صورت شبکه تربیتی امامت، امت اسلامی تبدیل به یک سازمان یاددهنده و یادگیرنده خواهد نمود. مسئولیت راهنمایی و هدایت همه افراد نسبت به همدیگر ذیل اصل امر به معروف و نهی از منکر است؛ چنانچه خداوند متعال پس از ذکر ولایت مومنین و مومنات بر یکدیگر، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را ذکر می فرماید.

د) اخوت به عنوان سازمان آموزشی در تربیت ولایی

نیروی انسانی مهمترین ثمره شجره طیبه تربیت ولایی است. رهبر انقلاب حوزه های علمیه را به عنوان شجره طیبه نام برده و نیروهای جوان و فاضل تربیت شده را به عنوان ثمرات آن دانسته اند. (رهبر انقلاب، ۱۳۹۱/۱۱/۲۶) ارتباط و انسجام نیروهای تربیت شده هم بخشی از فرایند تربیت است و هم یک هدف میانی برای آن؛ چنانچه امام خمینی با توصیف بسیج مردمی به عنوان یک شجره طیبه و یک مرکز تربیت انسانهای مومن، اخوت و برادری بین نیروها را مهمترین عامل موفقیت در عرصه های اجتماعی و سیاسی می داند. (امام خمینی، ج ۱۵، ۱۳۸۹: ۳۸۶) "بسیج شجره طیبه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه های آن بوی بهار وصل و طراوت یقین و حدیث عشق می دهد. بسیج مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته های رفیع آن، اذان شهادت و رشادت سر داده اند" امام خمینی، ج ۲۱، ۱۳۸۹: ۱۹۴) از نظر امام خمینی تربیت شجره طیبه بسیج، مبتنی بر اتصال بین اعضا و اخوت و برادری است. آیت الله شاه آبادی استاد امام در تفسیر روایت "لا عِدَّةَ إِلَّا بِالْأَخُوَّة" بیان می دارد هر چند عده فوق نهایت بوده باشد ولی مادامی که رشته اخوت نباشد در حکم غیریت و مباینت خواهد بود. پیامبر با مقام مقدس ایمانی خود ممکن نشد از وجود همه آن ها استفاده نماید مگر به احداث خیط عرضی

اخوت که آن کثرت را به وحدت آورد چنانچه از خیط طولی نساجی نمی توان استفاده نمود که لباس عزت یا ساتر عورت بوده باد مگر به احداث خیط عرضیه. (شاه آبادی محمد علی، ۱۳۸۶، ۷۲) در نظام امامت، با مسئولیت پذیری همه اقشار طرح پیشرفته گسترش امامت شکل می گیرد و امامت نه تنها به صورت طولی بلکه به صورت عرضی هم اعمال می شود. (عمید زنجانی، ۱۳۹۱، ۷۵) اسلام اهمیت زیادی به شبکه روابط انسانی می دهد؛ چرا که پیوند های ناسالم انسان، سبب شقاوت او و پیوندهای سالم او زمینه ساز سعادت او است. این خط طولی ولایت است. خط دیگری هم هست که خط ولایت عرضی است و در ارتباط مومنان با همدیگر در قالب تعاون، همدلی، تفاهم و... ظاهر می شود. بنابر این دو آیه شریفه "و المومنین و المومنات بعضهم اولیاء بعض" (توبه ۷۱) و آیه "والذین آووا و نصروا اولئک بعضهم اولیاء بعض" (انفال ۷۲) در حکم تار و پود بافت امت هستند. اجمال این دو خط در شبکه مناسبات انسانی ولاء است که همه ارتباطات و پیوندهای انسان با دیگران را تقریباً به صورت فراگیر در بر می گیرد. (آصفی محمد مهدی، ۱۳۸۵، ۳۸۰) امامت و اخوت از همدیگر جدا ناشدنی هستند در نتیجه ولایت و مشارکت مردم، اسلامیت و جمهوریت نیز جدایی ناپذیرند. روایات نهی از قیام مردم تا قبل از ظهور امام عصر نیز به معنای نهی قیام در عرض امام است نه در طول امامت او. (حسینی طهرانی سیدمحمد حسین، ۱۴۲۵، ۱۹۷) در روایات تاریخی ذکر شده است که پیامبر علاوه بر اخوت عمومی که به صورت شفاهی و مکتوب بین همه مردم مدینه ایجاد کردند، مومنین را دو به دو به عقد اخوت همدیگر در آوردند. امیرالمومنین تنها ماند و بابت این قضیه شکایت برد. پیامبر فرمودند شما برادر من هستی. (مغنیه محمد جواد، ۱۳۷۹، ۳۷) پیوند مفهوم جماعت و مسجد نیز پیوندی ناگسستنی است. در برخی روایات نماز فرادی در مسجد و نماز جماعت در خانه همسان انگاری شده اند. (همان: ۹۲) تاکید شده است که تنها به مسجد نروید و قوم خود را با خود همراه سازید. (همان: ۴۴). هشت فایده اجتماعی ویژه برای اهل مسجد عنوان شده است که نشان از لزوم برقراری سایر نهادهای اجتماعی در نظام تربیتی مسجد دارد. (ری شهری، بیتا: ۱۵) یکی از آن ها "اخ مستفاد" به معنای برادری است که از او بهره معرفتی ببرد؛ علمی که او را به هدایت بکشاند؛ گناهی که از شرم یا

ترس، ترک گوید؛ و رحمتی که به چشم انتظار آن باشد. با دقت در مساجد ضرار که در قرآن ذکر شده است و مساجد ملعونه و خبیثه که در روایات آمده است؛ متوجه می شویم یکی از سه عامل بنیان گرار، امام و جماعت در آن تاثیر داشته اند؛ مثلا بنیان گزار طاغوتی به جای بنیان گذاری ایمانی، امام طاغوت به جای امام هدایت، و جماعت نفاق به جای جماعت مومنین در آن ها بوده اند. خداوند به پیامبر دستور می دهد که در مسجد ضرار که بر پایه نفاق بنا شده است شرکت نکند؛ و در مسجد قبا شرکت جوید که بر پایه تقوا استوار گشته و جماعت آن اهل ایمان هستند. (توبه، ۱۰۷ و ۱۰۸) در روایاتی آمده است اگر تعداد کمی مومن اهل مسجد در منطقه ای باشند که بر اخوت با همدیگر بر اساس حب الهی باقی بمانند؛ (تحابون فی الله)؛ عذابهای عمومی از اهل آن جا برداشته می شود. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ۲۳) یک نویسنده عرب معاصر در تعریف حلقه تربیتی می گوید: "القوم الذین یجتمعون متراصمین و ذلک لاستفاده ما یلقیه شیخ الحلقه و ینته من احکام الشریعه و تعلیم الامه ما ینفعهم فی الدارین". (مقبل مجیدی عبدالسلام، ۲۰۰۴، ۹۷) قالب اصلی که در آن آموزش در مسجد صورت می گرفت، حلقه مطالعه بود که در جهان اسلام با نام "حلقات العلم" یا به اختصار "حلقه" شناخته می شود. حلقه به معنای واقعی کلمه به عنوان "اجتماع افراد نشسته در یک دایره" یا "اجتماع دانش آموزان در اطراف یک معلم" تعریف می شود. اگرچه معلمان مسئولیت حلقه ها را بر عهده داشتند اما توسط معلم به سمت به چالش کشیدن بحث ها هم دعوت می شدند (زایمچ، ۲۰۰۲: ۱) سیستم یا شبکه، مجموعه ای از عناصر است که با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند و برای تحقق یک هدف در تلاش هستند. سیستم مجموعه ای از عناصر فعالی است که در زمان و مکانی خاص، با نوعی کنترل و تصمیم گیرندگی و ارزیابی به هم مربوط هستند. سیستم متضمن همکاری و تضاعف نیروها بوده و به معنی یک کل است. (نویسندگان، همایش بین المللی دکترین مهدویت، ۱۳۹۴، ۳۲۶) از آن جا که شبکه ائمه جامعه از امام جماعت تا امام امت و امام جهانی همگی به هم پیوسته و سلسله وار بوده و مشروعیت آن ها به اعتبار تاییدات الهی و محبوبیت و اعتماد مردمی امت اسلامی شکل

می‌گیرد قاعدتا حلقه‌ها و شبکه‌هایی به هم پیوسته از ائمه و امم کوچک و بزرگ در ارتباط با همدیگر شکل می‌گیرد که شبکه عصبی جامعه اسلامی و نظام پیامدهی و پیام‌گیری، یاددهندگی و یادگیرندگی جامعه خواهد بود. نظام تعلیم و تربیت مسجدمحور نظامی است که از سطح خرد یعنی مسجد یک محله تا سطح کلان یعنی امت اسلامی دارای روابط طولی (امامت) و عرض (اخوت) و عمقی (ایمان) امتداد دارد. این سه بعد اجتماعی به طور کامل می‌تواند ارزشهای دین را محقق نموده و به نفی طاغوت‌ها و مفساد در همه عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی منجر شود. این نظام تربیتی به معنای واقعی یک نظام است و در خود سیستم خودترمیمی و خود کششی دارد. این نظام می‌تواند با تربیت سیستمی و محیطی بدون جبرهای آشکار و پنهان و با رسمیت شناختن اختیار و آزادی و بر پایه فطرت به تربیت انبوه انسان‌ها منجر شود. خلاصه ادوار نظام تعلیم و تربیت مسجد محور در جدول ذیل ارائه شده است. همان‌طور که ذکر شد لقمان حکیم در مواسات با مردم و حقوق آن‌ها و نیز رفع حوائج آن‌ها اهتمام ویژه‌ای داشته است. اخوت بر اساس آیات شریف قرآن معادل ولایت عرضی مومنین با همدیگر است. عرضی مومنین با همدیگر است و به اعتبار ایمان در جامعه ایجاد می‌شود؛ مبانی جامعه شناختی دقیقی دارد.

۵) مسجد: میقات و فضای آموزشی تربیت ولایی

امام خمینی در خصوص تربیت انسان‌های نترس که از خصوصیات تربیتی اولیاء در قرآن کریم است؛ نقش مساجد و ائمه جمعه و جماعات را مهم می‌داند. (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۳۹۰) در تعریف میقات آمده است: "مواضع و أزمئه معینة لعبادة مخصوصه" "مکان‌ها و زمان‌های معین برای عبادات مخصوص". (حوزه نمایندگی، ۱۳۹۴: ۲۶۴) بنابر تحقیقات اخیر یک گروه خاورمیانه‌شناس آمریکایی که در شانگهای مستقر است؛ و طی چندسال اخیر که مباحث قدرت اتمی شدن جمهوری اسلامی مطرح شده است؛ ارتباط زیادی بین قدرت فناوری ایران و نظام مساجد به عنوان پایگاه‌های مردمی دریافته است. این گروه تحقیقاتی معتقدند: مسجد به عنوان مرکز تجمع مردم و عرصه اثرگذاری رهبر جامعه، قدرت معنوی بلامنازعی در پشتیبانی از فعالیتهای هسته‌ای و

پیشرفتهای علمی ایران و نترسیدن از فشارها و تهدیدات ایجاد کرده است. (مالیروننگ، ۱، ۲۰۱۸: ۴۳) در منابع دینی، پیوند معنایی ایمان با مسجد پیوند مستحکمی است. آبادانی معنوی و مادی مسجد به مومنین نسبت داده می‌شود. (توبه، ۱۸) مسجد، مجلس مومن نامیده می‌شود. (ری شهری، ۱۳۷۸: ۸۲) در بیانات ائمه اطهار، مساجد مختلفی به عنوان مبارکه و مساجد مختلفی به عنوان خبیثه و ملعونه نام برده شده‌اند. یک از این مساجد مبارکه دلیل مبارک بودنش این است که مرد مومنی آن را بنا گذاشته است. وَلَقَدْ وَضَعَهُ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ. (همان، ۴۲۶) و برخی از آن‌ها ملعونه هستند چون در مسیر طاغوت‌ها قرار گرفته‌اند (مانند مساجدی که در جشن بنی امیه در شهادت امام حسین (ع) تعمیر شدند. (همان: ۲۴۰) و یا مسجدی که بر قبر یکی از فراعنه ساخته شده است. (همان: ۱۳۲) بنابر این مسجد با کفر و نفاق به هیچ شکلی جمع نمی‌شود و علاوه بر حسن فعلی نیازمند حسن فاعلی مجریان و دست‌اندرکاران آن است. مسجد همواره دارای شرایط و ضوابط خاصی بوده است مثلاً تنبیه‌هایی مثل حدود و تعزیرات که برای زناکار و سارق و مجرمین دیگر در نظر گرفته شده بود اجازه اجرا در مسجد نداشت. (ری شهری، ۱۳۸۷، ۱۸۴) از طرف دیگر جاری نمودن عقد ازدواج بین دختر و پسر از رسوم تأکید شده رسول خدا در مساجد بود. (ری شهری، ۱۳۸۷، ۳۵۰) رسول خدا و اهل بیت همواره مسجد را به عنوان یک مرکز دارای فضای تربیتی مناسب ذکر می‌کردند. از رسول خدا روایت شده است که کسی که اهل مسجد باشد چند فایده به او می‌رسد: دوستی که در راه خدای عز و جل از او بهره‌بردار، یا دانشی لطیف و نغز، یا سخنی که او را به هدایت رهنمون شود، یا از هلاکت برهاند، یا رحمتی که چشم به راهش باشد، یا آن که زشتی‌ای را از روی شرم یا ترس [از خدا] ترک گوید. (تسخیری، ۱۴۲۸: ۲۰۰) قرآن کریم به آبادانی مسجد تأکید دارد و آن را عملی می‌داند که از مومنین فقط سر می‌زند؛ مفسرین گفته‌اند منظور فقط آبادانی عمرانی و ساخت و ساز و معماری نیست؛ بلکه حضور در مسجد و برنامه‌های مسجد و زنده نگه داشتن اجتماعی مسجد از مصادیق اصلی آبادانی مسجد است. (قراحتی، ۱۳۸۸: ۳۹۲-۳۹۳). چه برنامه‌ای می‌تواند مهمتر از تربیت باشد که اساساً در راس مقاصد شریعت است؟ چرا که بر اساس روایات، مومن در مسجد مانند ماهی در آب است بنا بر این اگر این زیستگاه ایمانی با تعلیم و تربیت مومنین فعال شود مسلماً مصداق بارز آبادانی خواهد بود. در این روایت به

طور ضمنی ایمان به آب تشبیه شده است و مومن به ماهی که تشنه دائمی آب است و مسجد به حوض آب که مرکز ایمان است. بنابر این گفتمان غالب مسجد یک گفتمان ایمانی خواهد بود. به علاوه بر اساس روایات آنچه از حضور مومن در مسجد انتظار می‌رود آمادگی او در رزم جهاد اکبر، کبیر و جهاد اصغر است. (ری شهری، ۱۳۸۷: ۶۴) بنابر این باز هم تعلیم و تربیت مساله اول مسجد بوده و مکان اول تعلیم و تربیت هم مسجد خواهد بود. چنان که از تواریخ بر می‌آید لقمان در عین مشاغل سختی که داشت؛ (مدتها به صورت خادم و مدتها خیاط) معارف خود را به مدد همنشینی با اولیاء، خودسازی و ارتباط با مسجد و محراب به دست آورده بود چنان که در معاشرت با انبیاء و در مسجد به شهادت رسید. ابراهیم ادهم می‌گوید: لقمان در مسجدی در شهر رمله در فلسطین ۱ در میان مسجدی به همراه تعدادی از انبیاء دفن است. علت دفن او این است که بنی اسرائیل او و تعدادی از پیامبران را در مسجد حبس کرده بودند تا از دنیا بروند. (شهرورزی، ۱۹۸۷: ۳۲۶) بنابر این مسجد به عنوان جایگاهی که می‌تواند جانب یاددهنده و یادگیرنده را به صورت پویا و برای همه سنین در خود جمع کند و همه اقشار را در عین تکثر، به وحدت برساند؛ قابل توجه است. آبادانی مسجد که در وهله اول به معنای رونق تربیتی و انسان‌سازی مسجد است؛ به تصریح قرآن فقط از انسان‌های مومن انتظار می‌رود. لذا ایمان از همان ابتدا با مسجد عجین است. امام مسجد نیز به عنوان رکن رکن مسجد مطرح بوده و جماعت مومنین هنگامی که بر پایه ایمان شکل گرفته باشد؛ به اخوت حقیقی خواهد انجامید. مسجد یک تالی و یک جزء به مثابه کل، برای امت اسلامی است؛ چرا که همه مولفه‌های امت ایده‌ال اسلامی را در ابعاد کوچکتر دارد و به مثابه یک تمرین و آماده‌سازی و حتی شبیه‌سازی آن مطرح می‌شود.

(و) امت: عرصه عمل تربیت ولایی

آیت الله جوادی آملی تاریخ تحول زعامت شیعه را سه دوره ذکر می‌کند: دوره اول رابطه محدث و شنونده (عصر اخباری‌گری)، دوره دوم رابطه مرجع و مقلد (عصر اصولیون)، دوره سوم دوره امام و امت. (عصر امام خمینی) در این عصر جدید مسئولیت علما شامل همه عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۵) امام خمینی جهان را یک

۱. امروزه در اشغال رژیم اشغالگر قدس می‌باشد. (ویکی پدیا: ذیل عنوان شهرهای فلسطین قبل از ۱۹۴۸)

مدرسه بزرگ می‌داند و مریبان این مدرسه بزرگ را اولیاء و انبیاء می‌داند. (امام خمینی، ج ۱۳، ۱۳۸۹: ۵۰۳) "مساجد، بهترین سنگرها و جمعه و جماعات، مناسب ترین میدان تشکل و بیان مصالح مسلمین می‌باشند" (همان) رهبر انقلاب ضمن تاکید بر شجره طیبه بودن بسیج (امت) بیان می‌دارند که "مساجد که نیروهای بسیج از آن تغذیه می‌کنند باید همچنان بصورت پایگاه بسیج باقی بماند. نیروی مساجد در بسیج مردم نیرویی منحصر و معنی دار است. بسیج تنها تا آن روز پیروز است که در یک دست بسیجی قرآن و در دست دیگرش «سلاح» باشد. راز پیروزی مسلمین و وحشت و هراس دشمنان و معاندین از مسلمین در برافراختن پرچم قرآن است. بسیج باید مطیع مسجد، حامی مسجد، عامل به قرآن و حافظ قرآن باشد." (رهبر انقلاب: ۱۳۶۲/۰۹/۰۴) بنا بر این امام خمینی و رهبر انقلاب رابطه تربیتی امام و امت را در سه عرصه می‌بینند: ۱- عرصه امور جامعه ۲- در قلمرو عبادی - سیاسی. مسلماً بدون عرصه فعالیت و عمل، هیچ تعلیم و تربیتی نمی‌تواند محقق شود و به ثمر بنشیند. بنابراین امت اسلامی، عرصه عمل و جایگاه پیشرفت تربیت ولایی است؛ به طوری که مومن تربیت شده در نظام ولایی، یک عرصه فعالیت عملی برای خود خواهد داشت که موجبات تحقق عملی ایمان و حکمت او است. همچنان که مسجد از دو تار و پود امامت و اخوت در ابعاد کوچک تشکیل شده است؛ امت اسلامی نیز ساخته شده از امامت و اخوت در ابعاد بزرگتر است. لذا انسان مومن در مسجد با عناصر تربیتی ذکر شده یک زندگی واقعی امتواره را تمرین می‌کند.

ز) چارچوب تربیت ولایی در نگاه جامع

جدول ذیل نگاهی به کلیت تربیت ولایی بر اساس چارچوب استخراج شده دارد که در آن عناصر، آثار و مبانی تربیت ولایی بر اساس مکتب امام خمینی، تمثیل قرآنی شجره طیبه و الگوی عملی لقمان حکیم ذکر شده است.

جدول ۱. چارچوب تربیت ولایی در یک نگاه

چارچوب نظامات آموزشی	عناصر نظام تربیت ولایی	آثار	مبنا	تمثیل شجره طیبه	الگوی عملی لقمان حکیم در قرآن و روایات	مکتب امام خمینی
	ایمان	تولید عمل صالح (رهبرانقلاب، ۱۴۰۱.۳.۱۴)	یک سرمایه درونی که وحدت بخش گفتار، پندار و کردار متری است. / تعریف امام خمینی: ایمان، تنزل علم عقلانی به مرتبه قلب است (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۲۰۵)	اصل ثابت	لقمان علیه السلام فِي مَوْعِظَتِهِ لَابْنِهِ: يَا بُنَيَّ، السَّقِينَةُ إِيمَانٌ، وَشِرَاعُهَا التَّوَكُّلُ، وَسُكَّانُهَا الصَّبْرُ، وَمَجَازِيْفُهَا الصَّوْمُ وَالصَّلَاةُ وَالزَّكَاةُ. (مفید، ج ۱۲، ۱۴۱۴: ۳۳۶)	امام خمینی درباره آبادانی و سازندگی کشور: "اگر جنبه ایمان مردم تقویت شد، همه امور به راحتی انجام می شود." (امام خمینی، ج ۱۷، ۱۳۸۹: ۱۳۰)
هدف و محتوای آموزشی	حکمت	حکمت منجر به خلاقیت در نفس انسان است به دلیل اتصال قوه عقل با عقل فعال (طالقانی، ج ۲، ۱۳۷۳: ۵۷۱)	حالتی است در اولیای الهی که معرفت همراه با بصیرتی به قلب آن ها وارد می شود که منجر به یقین می شود و از آن کارهایی که لذت گرایان و جاهلان دشوار می دانند ابایی ندارند. (مطهری، بی تا: ۱۴۴)	کلمه طیبه	قرآن کریم: "لقد آتینا لقمان الحکمه" (لقمان: ۱۲) در روایات معصومین است که به لقمان گفتند این مقام چگونه به دست آمد گفت در اثر کنترل دیدار، شنیدار، گفتار، پندار و رفتار. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸: ۲۸)	"حکیم یعنی آن کسی که حقایقی را مشاهده میکند که از چشمهای دیگران مغفول عنه است؛ پوشیده است. کلمات او، کلماتی ممکن است ساده به نظر بیاید، اما هر چه میشکافید، مبینند لایه ها و عمقهای بیشتری دارد" (رهبر انقلاب،

جدول ۱. چارچوب تربیت ولایتی در یک نگاه

چارچوب نظامات آموزشی	عناصر نظام تربیت ولایتی	آثار	مبنا	تمثیل شجره طیبه	الگوی عملی لقمان حکیم در قرآن و روایات	مکتب امام خمینی
						(۱۲/۰۲/۱۳۸۷)
	امامت	ارائه طریق و ایصال الی المطلوب (مطالعه هری حسین، ۱۳۷۷: ۱۰۳)	یک نوع مسئولیت پذیری اجتماعی در تربیت خود و دیگران: "اذ ابتلی ابراهیم بکلمات فاطمه قال انی جاعلک للناس اماما" امام کسی که در سختی ها، مسئولیت پذیر است.		در روایاتی از امام صادق علیه السلام لقمان به عنوان همنشین انبیاء و اولیاء، دارای معرفت نسبت به امام زمان خود، دارای ارتباط موثر با مومنین و تلاش برای رفع حوائج آن	امام که یک حکیم بود، گفتند: «معلمی شغل انبیاست». این، خیلی حرف بزرگی است. (رهبر انقلاب، ۱۲/۰۲/۱۳۸۷)
مدیریت و ساختار آموزشی	اخوت	همه مردم همزمان مری و متربی یکدیگر هستند: المومنین و المومنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف (توبه: ۷۱) ... امر	یک نوع مسئولیت اجتماعی در دوستی و محبت و یاری دیگران: "انما المومنون اخوه" بر اثر ایمان، سنخیتی بین افراد حاصل می شود که سبب اتصال قلوب آن	شجره طیبه	ها معرفی شده است. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸: ۲۱) حسن معاشرت نسبت به برادران دینی و دوستان (همان: ۳۱)	هم روحانی باید با دانشگاهی دوست و برادر باشد، و هم دانشگاهی با روحانی، تا این دو قدرت، دو قدرت مفکره متفکر بتوانند مملکت خودشان را حفظ

جدول ۱. چارچوب تربیت ولایی در یک نگاه

چارچوب نظامات آموزشی	عناصر نظام تربیت ولایی	آثار	مبنا	تمثیل شجره طیبه	الگوی عملی لقمان حکیم در قرآن و روایات	مکتب امام خمینی
		به معروف و نهی از منکر اجتماعی	ها می گردد. "السنخیه عله الانضمام". مکارم شیرازی، ج ۱، ۱۳۸۵: ۳۱۴			کنند. (امام خمینی، ج ۹، ۱۳۸۹: ۵۴۰)
محیط آموزشی و عرصه فعالیت	مسجد	مساله تقدس علم، معلم و معلم (افروز، ۱۳۷۵)، میقات امام و امت، اساتید و شاگردان، معلمان و دانش آموزان، اولیاء و مربیان، صاحبان تجارب فنی و هنرجویان / مسجد تالی تلو امت اسلامی در ابعاد کوچکتر. (شریه فی، ۱۳۸۸)	فضای تربیت عمومی یاددهنده و یادگیرنده: "المسجد اسس علی التقوی من اول یوم فیہ رجال یریدون ان یتطهروا" (توبه: ۱۰۸) قرآن کریم برای تعلیم و تربیت طراحی شده است.	و فرعها فی السماء، توتی اکلها کل حین باذن ربها	به گواهی تاریخ لقمان همواره همنشین انبیاء، علما و اهل معرفت بوده است. ابراهیم ادهم می گوید: لقمان در مسجدی در شهر رمله در فلسطین در میان مسجدی به همراه تعدادی از انبیاء دفن است. علت دفن او این است که بنی اسرائیل او و تعدادی از پیامبران را در مسجد حبس کرده بودند تا از دنیا بروند. (شهرورزی، ۱۹۸۷: ۳۲۶)	این مساجد باید مرکز تربیت صحیح باشد، و مساجد بحمدالله اکثراً اینظوری است. اشخاصی که در مسجد می روند باید تربیت بشوند به تربیتهای اسلامی. مساجد را خالی نگذارید. آنها را بکشند و شما را دور کنند از مساجد، دور کنند از مراکز تعلیم و تربیت، آنها دشمنهای شما هستند. (امام خمینی، ج ۱۲،

جدول ۱. چارچوب تربیت ولایی در یک نگاه

چارچوب نظامات آموزشی	عناصر نظام تربیت ولایی	آثار	مبنا	تمثیل شجره طیبه	الگوی عملی لقمان حکیم در قرآن و روایات	مکتب امام خمینی
						۱۳۸۹: ۵۰۰
	امت	"عالم، مدرسه است و معلمین این مدرسه، انبیا و اولیا هستند. و مربی این معلمین، خدای تبارک و تعالی است." (امام خمینی، ج ۱۳، ۱۳۸۹: ۵۰۳)	صدرا در باره انسان، هستی و جامعه: یک کل دارای وحدت در عین کثرت ها و تفاوتها (ملاصدرا، ج ۱، ۱۳۶۴: ۴۵۷) "حکمت متعالیه صدرا، امام خمینی: طرح مفاهیمی همچون «امت اسلام»، «بسیج جهانی مستضعفین»، «ید واحده» و «اخوت» بین مسلمانان... همه و همه حاکی از نگرش امت‌مدارانه به		سلمان و ابوذر به عنوان دو اسوه تربیت ولایی، در روایات به عنوان حکیم امت و "لقمان امت اسلامی" خوانده شده اند. (انصاریان، ج ۱۱، ۱۳۸۶: ۲۱۵) (مظهری، ۱۳۸۴: ۱۹۴)	اخباریها روی کار آمدند، آنها گفتند رابطه فقها با توده مردم رابطه محدث است و مستمع! ... آقا وحید بهبهانی با هم فکری اصولیون معتدل رابطه فقها با مردم را رابطه مرجع و مقلد کردند. اینها شدند مجتهد و مردم شدند مقلد. اما امام راحل آمد رابطه توده مردم با فقیه را رابطه امامت و امت کرد! این کجا و آنها کجا؟ ... رابطه امامت است

جدول ۱. چارچوب تربیت ولایی در یک نگاه

چارچوب نظامات آموزشی	عناصر نظام تربیت ولایی	آثار	مبنا	تمثیل شجره طیبه	الگوی عملی لقمان حکیم در قرآن و روایات	مکتب امام خمینی
			مسائل جهان اسلام است." (پرتال امام خمینی، ۰۲/۰۹/۱۳۹۲)			و امت یعنی در آن مسائل معنوی هست، مسائل اخلاقی هست، مسائل اجتماعی هست، مسائل سیاسی هست (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۵)

بحث و نتیجه گیری

۱. چارچوب مفهومی دیدگاه مکتب امام خمینی درباره تربیت ولایی با تفاسیر موجود از شجره طیبه و لقمان حکیم در قرآن مطابقت محتوایی دارد. مکتب امام خمینی با طرح مساله ایمان و اهمیت آن در ساخت دو نوع ولایت عرضی و طولی یعنی اخوت و امامت و نیز حکمت که از ایمان می جوشد؛ چارچوب روشنی برای رویکرد تربیت ولایی فراهم نموده است؛ از سوی دیگر شجره طیبه در قرآن کریم که با اکثر تفاسیر شیعه و اهل سنت تطبیق داده شد؛ مفهوم ایمان، ولایت، حکمت و... را به عنوان تفسیر شجره طیبه مطرح نموده بودند. مطرح شدن "بسیج" به عنوان شجره طیبه در گفتمان مکتب امام خمینی و وجود عناصر ایمان (ولایت عمقی)، ولایت طولی و عرضی (امامت و اخوت) و حکمت در آن، تایید دیگری بر چارچوبهای رویکرد ولایی در تعلیم و تربیت بود. بررسی تفاسیر و روایات درباره لقمان حکیم به عنوان یک الگوی تربیتی قرآنی نیز عناصر ایمان، امامت، اخوت و حکمت را تایید نمود.

۲. چارچوب مفهومی ولایت در شمول حوزه های فردی و اجتماعی دارای جامعیت است. ولایت از مفهوم خودسازی تا جامعه سازی و امت سازی را می تواند شامل شده و برای نقش معلم، محیط آموزشی و محتوای آموزشی پاسخ داشته باشد. اگر تربیت را شامل عرصه های خودسازی، دیگرسازی و تربیت عمومی بدانیم؛ خود سازی معادل با ولایت بر خود است که حکمت، به منزله خروجی فردی آن و ایمان، به منزله ورودی آن است؛ دیگر سازی که مسئولیت و سرپرستی غیر و یا امامت است معادل ولایت طولی است؛ مسئولیت عمومی نسبت به سرنوشت همدیگر معادل اخوت یا ولایت عرضی است. جهان بینی پس از تحلیل توسط عقل و منطق، وارد مرحله جایگزینی در قلب انسان می شود که این مرحله ایمان نام دارد؛ در این مرحله انسان بر فکر و قلب خود مستولی می شود؛ سپس معرفت از درون متربی و مبتنی بر تجارب شخصی او می جوشد و بازگشت می کند؛ که حکمت نامیده می شود. ایمان هنگامی که در ساختارهای اجتماعی ظهور و بروز می یابد؛ در ساختارهایی مثل مسجد، امامت و اخوت ظاهر می شود. همان طور که مسجد از تار و پود امامت و جماعت ساخته شده است که همان ولایت طولی و عرضی است؛ امت اسلامی نیز از امامت و اخوت ساخته می شود. این شباهت ساختاری به این دلیل است که مسجد و امت، به مثابه عرصه آموزش و عرصه عمل تربیت ولایی شناخته می شوند. در این دو نهاد، جزء به مثابه کل و کل به مثابه جزء به روشنی دیده می شود. از همین جهت، ارتباط مسجد، مدرسه، حوزه علمیه، دانشگاه و رسانه ها در تحقق اهداف تربیت ولایی، تعیین کننده هستند چرا که اگر امت اسلامی و مسجد بخواهند تالی تلو، الگو و آینه همدیگر باشند؛ لازم است عناصر اصلی تربیت ولایی در هر دوی آن ها به نحو مشابه و با مقیاس متفاوت وجود داشته باشد.

۳. چارچوب مفهومی ولایت دارای ظرفیت نوسازی و وحدت آفرینی در تربیت اسلامی است. تربیت ولایی در دیدگاه مکتب امام خمینی می تواند الهام بخش نظامات تربیت اسلامی با رویکردهای نو و در عین حال اصیل و کاربردی باشد. دیدگاه کلان به تعلیم و تربیت و اجتناب از بخشی نگری در تعلیم و تربیت می تواند از خواص مهم این رویکرد تلقی شود. بر اساس آن چه از چارچوب رویکرد تربیت ولایی عرضه شد؛ نتیجه می شود گرفت که نقش معلمی یک نقش امامت گونه است؛ بنابر این شایستگی ها و نقش های امامت همان شایستگی

ها و نقش های معلمی خواهد بود؛ از همان جنس و در همان راستا و متصل به همان مبدا؛ و البته به تناسب مسئولیت تربیتی. از آن چه ذکر شد می توان نتیجه گرفت که در این دیدگاه است که مربی، معلم، استاد، مبلغ، واعظ، مروج، تسهیلگر و ...، با احراز شرایطی، عضو شبکه امامت جامعه به معنای عام آن هستند؛ و از این جهت مسئولیتی امام گونه در حیطه امت های کوچک خود دارند. نبود این شبکه متصل، سبب نبود یکپارچگی در تعلیم و تربیت خواهد بود. از آن چه درباره امامت و اخوت ذکر شد نتیجه می شود که یکپارچگی به معنای وحدت مطلق نیست بلکه وحدتی در عین تکثر و تفاوت است و الا مسئولیت تربیتی و امر به معروف و نهی از منکر همگانی معنا نداشت. بر این اساس، پیامبرانه بودن شغل معلمی، صرفا یک تعبیر نیست؛ بلکه ساز و کار آن در متن دین تعریف شده است.

پیشهادات

۱. با توجه به ظرفیت نظام سازی ای که در نظریه ولایت در مکتب امام خمینی وجود دارد؛ می توان از آن در نظریه پردازی در علوم انسانی اسلامی خصوصا تعلیم و تربیت بهره برد. از آن جا که نظریه ولایت در مبانی دینی و کاربردهای فردی و اجتماعی آن حضور دارد؛ یکی از معانی ای است که می تواند در طراحی یک نظام تمام ساحتی و یکپارچه دینی با حفظ تفاوت ها و تکثرها رهنمون باشد.
۲. ابتدای اسناد بالادستی تعلیم و تربیت کشور بر نظریه ولایت، می تواند سنخیت بیشتری بین این اسناد با اصالت دینی و انقلابی برقرار کند. این ابتدا می تواند در راستا و امتداد نگرش اخوت اسلامی آیت الله شاه آبادی، ولایت فقیه امام خمینی، ولاء ها ولایتهای استاد مطهری و سایر دیدگاه های بزرگان مطرح گردد. آن چه تا کنون در محیطهای تربیتی رسمی و غیر رسمی مورد تاکید قرار گرفته است؛ آموزش های نظری ناظر به تئوری ولایت فقیه بوده است؛ نه ساز و کاری تربیتی از ولایت که یک مبنا، محیط، ساختار و برنامه تربیتی مبتنی بر نظریه ولایت را ارائه دهد. چنین ساز و کاری بر اساس آن چه ذکر شد؛ شامل امامت، اخوت، ایمان، حکمت، مسجد و عرصه امت اسلامی خواهد بود.

۳. یکی از تحقیقاتی که می‌تواند در راستای تداوم تحقیقات تربیت ولایتی به محققین پیشنهاد شود؛ مطالعه تطبیقی تربیت ولایتی با مکاتب غربی و باستانی است. به طور مثال آزادسازی در معنای مولا و آزادسازی در تربیت پست مدرن که گفتمان‌های اصلی دو پارادایم تربیت ولایتی و پست مدرن را تشکیل می‌دهند؛ می‌توانند مورد بررسی تطبیقی قرار بگیرند. همچنین حکمت که از درون مرتبی می‌جوشد و بر اساس عقلانیت و تنزل آن به قلب (ایمان) اتفاق می‌افتد؛ با مکاتب طبیعت‌گرا و پیشرفت‌گرا که معتقدند دانش بایستی از درون مرتبی بیرون بیاید نه این که از بیرون تحمیل شود؛ قابلیت مطالعه تطبیقی دارند. خصوصاً این که ایمان کاملاً امری درونی بوده و با قاطعیت قابل تشخیص بیرونی نیست. همچنین مفهوم همیاری و مراقبت و نگه‌داری که از معانی ولایت است؛ قابل بررسی تطبیقی با دیدگاه‌های جدید از تربیت به عنوان مراقبت و صیانت است.

فهرست منابع

- قرآن الکریم
 آصفی محمد مهدی (۱۳۸۵)، بررسی فقهی تطبیقی مبانی نظری حکومت اسلامی، تهران: مجمع تقریب مذاهب اسلامی
 ابن‌دهیش، عبد الملک و مکی، عبد الله غازی (۱۴۳۰-۲۰۰۹)، إفادة الأنام بذكر أخبار بلد الله الحرام، مکه مکرمه - عربستان: مکتبه الأسدی.
 ابن‌قیم جوزیه محمد، ۱۴۱۰، التفسیر القیم، بیروت: مکتب الدراسات
 ابن‌میثم، میثم بن علی، شریف الرضی، محمد بن حسین و علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۱۴۰۴، شرح نهج البلاغه (ابن میثم)، تهران - ایران: دفتر نشر الکتاب
 اسماعیل تبار احمد، ۱۳۸۸، آخرین منجی، تهران، فرهنگ سبز
 اشکوری لاهیجی محمد، ۱۳۷۳، تفسیر لاهیجی، تهران: نشر داد
 اعرافی علیرضا، (۱۳۹۵)، فقه تربیتی، قم: اشراق و عرفان
 اعوانی غلامرضا، (۱۳۹۷)، مولانا و دین، تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
 افروز، غلامعلی، (۱۳۷۵)، مسجد، مدرسه و خانه، پیوند، ش ۱۹۹
 امام خمینی (۱۳۸۶)، انسان شناسی در اندیشه امام، تهران: موسسه نشر آثار امام
 امام خمینی روح الله، (۱۳۸۹) صحیفه امام، تهران - ایران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

- امام خمینی روح الله، (۱۳۹۴)، شرح چهل حدیث، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- امام خمینی روح الله، (۱۳۹۲)، دفاع مقدس در اندیشه های امام خمینی، تهران: موسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی
- امام خمینی روح الله، (۱۳۹۲)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- امام خمینی، روح الله، (۱۳۸۰)، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، قم ایران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
- امین نصرت بیگم (بانو مجتهده امین)، (بی‌تا)، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، قم: بینا
- انصاری، قدرت الله و فاضل لنگرانی، محمدجواد، (۱۳۹۲)، احکام و حقوق کودکان در اسلام، قم - ایران: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)
- انصاریان حسین، (بی‌تا)، تفسیر حکیم، قم: دارالعرفان
- انصاریان حسین، فیض پور، محسن و صابریان، محمدجواد (۱۳۸۶)، عرفان اسلامی (شرح مصالح الشریعه)، قم - ایران: دارالعرفان
- بحرالعلوم محمدمهدی، حسینی طهرانی، محمدحسین (۱۴۱۸)، رساله سیر و سلوک منسوب به بحر العلوم، مشهد مقدس - ایران: علامه طباطبایی.
- بروجردی سیدحسین، (۱۴۱۶)، تفسیر الصراط، قم: انصاریان
- بنیانیان حسن، (۱۳۸۲)، مسجد و جوانان، مسجد، سال ۱۲، مرداد و شهریور، ۱۳۸۲، ش ۶۹
- پاینده ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه، تهران - ایران: دنیای دانش
- تسخیری محمد علی، (۱۴۲۸)، الامامان حسن و حسین فی احادیث المشترکه بین السنه و الشیعه، مصطفی حسینی رودباری، تهران: مجمع العالمی لتقریب
- جرجانی حسین، (۱۳۷۸)، جلاء الازهار و جلاء الاحزان، تهران: دانشگاه تهران
- جمعی از نویسندگان (بی‌تا)، ولایت در قرآن، قم - ایران: [بی نا]
- جوادی آملی عبدالله، شمیم ولایت، اسراء، ۱۳۹۲
- جوادی آملی عبدالله، (۱۳۸۶)، امام و امت، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران: موسسه چاپ و نشر عروج
- حجازی محمد محمود، (۱۴۱۳) التفسیر الواضح، بیروت: دارالجیل
- حسکانی عیدالله، (۱۴۱۱)، شواهد التنزیل حسکانی، تهران: وزاره الثقافه
- حسینی واعظ محمد، (۱۳۸۱)، دقائق التاویل و حقائق التنزیل، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب
- حسینی سیدمهدی، (۱۳۹۹)، حقیقت ولایت و جایگاه آن در تربیت انسان، معرفت، سال ۲۹، مهر، ش ۷

- حسینی طهرانی محمد حسین، (۱۴۲۵)، امام شناسی، موسسه ترجمه نشر علوم و معارف، مشهد مقدس: نشر علامه طباطبایی
- حسینی طهرانی، محمدحسین، (۱۴۲۱)، ولایت فقیه در حکومت اسلام، مشهد مقدس - ایران: علامه طباطبایی
- حسینی طهرانی، محمدحسین، (۱۴۲۶)، امام شناسی، موسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلام، مشهد مقدس - ایران: علامه طباطبایی.
- حق جو عبدالله، (۱۳۸۹)، ولایت در قرآن، قم: زائر
- حقی برسوی اسماعیل، (بی‌تا)، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر
- حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، (۱۳۹۴)، حج در آینه فقه، پژوهشکده حج و زیارت، تهران - ایران: نشر مشعر.
- حیدری گلشاد، (۱۳۸۹)، نکات تربیتی سوره لقمان، راه تربیت، زمستان، ش ۱۳
- خاتمی سید احمد، (۱۳۷۵)، مسجد و حکومت، سال پنجم، آذر، ش ۲۹
- خامنه ای سیدعلی، (۱۳۹۲)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: صهبا
- خزائلی محمد، (۱۳۶۳)، شرح گلستان سعدی، تهران: جاویدان
- خسروانی علیرضا، (۱۳۹۰)، تفسیر خسروی، تهران، اسلامیه
- خطیب عبدالکریم، (۱۴۲۴)، التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت، دارالفکر العربی
- خیرآبادی حمید، لطیفی میثم، ناظمی اردکانی مهدی، (۱۳۸۹)، واکاوی عوامل موثر بر موفقیت امام جماعت در نظام فرهنگی مسجدمحور، دو فصلنامه علمی پژوهشی دین و سیاست فرهنگی، پاییز و زمستان، ش ۱۳
- دانش اسماعیل، (۱۳۸۹)، اصول و روشهای تربیتی سوره لقمان، راه تربیت، زمستان، ش ۱۳
- دهقان اکبر، (۱۳۸۷)، تفسیر نسیم رحمت، قم: حرم
- رضانزاد غلامحسین، تمهید المبانی، الزهراء، تهران، ۱۳۸۳
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۹۴)، قرآن و تربیت (تفسیر موضوعی میان رشته ای قرآن و علوم)، قم - ایران: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن
- رهبری حسن، (۱۳۸۱)، کودک و مسجد، مسجد، سال ۱۱، مرداد و شهریور، ش ۶۳
- رهنمایی سید احمد، (۱۳۹۶)، ظرفیتهای تربیت ولایی جهادی؛ زمینه ساز برپایی تمدن اسلامی، معرفت سیاسی، پاییز و زمستان، ش ۲
- زاهدی مریم؛ کریمی نیا محمد مهدی؛ انصاری مقدم مجتبی، (۱۴۰۰)، مطالعه تاثیر تربیت ولایی بر تحقق جامعه مهدوی، نشریه پژوهش و مطالعات اسلامی: آبان، سال سوم - شماره ۲۸
- زحیلی وهبه، (۱۴۲۲)، التفسیر الوسیط (زحیلی)، سوریه-دمشق: دارالفکر

- زهادت عبدالمجید، (۱۳۹۹)، معارف و عقاید، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، دفتر متون رسمی
- سبحانی تبریزی، (۱۳۸۵)، مفاهیم قرآن، ج ۵، قم: موسسه امام صادق (ع)
- سجادی مرضیه، زارعان محمدجواد، زارعان منصوره، (۱۳۹۹)، اصول هم افزایی نهاد خانواده و نظام تربیت رسمی بر مبنای ولایت الهی، اسلام و پژوهشهای تربیتی، سال ۱۲، پاییز و زمستان، ش ۲۰
- سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر، (۱۴۰۸)، بیان السعادة فی مقامات العبادة، لبنان- بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات
- سیداسی احمد، (۱۴۲۷)، عیون التفاسیر، بیروت: دارصادر
- شاه آبادی محمد علی، (۱۳۸۷)، شذرات المعارف، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- شحاته عبدالله محمود، (۱۴۲۱)، تفسیر القرآن الکریم، مصر- قاهره: دارغریب
- شریفی محمود، (۱۳۸۸)، مسجد در فرهنگ اسلامی، فرهنگ کوثر، شماره ۷۷
- شعرانی ابوالحسن، (۱۳۸۶)، پژوهشهای قرآنی، قم: بوستان کتاب
- شعراوی محمدمتولی، (۱۹۹۱)، تفسیر شعراوی، بیروت: اخبار الیوم
- شفیعی سروسستانی ابراهیم، (۱۳۸۵)، تربیت پهلوانی، تهران: هلال
- شهرورزی محمد، (۱۹۸۷)، نزهه الارواح و روضه الافلاح، ایالات متحده: دانشگاه کالیفرنیا
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (بیتا)، رسائل الشهد السعید الفقیه زین الدین علی الجبعی العاملی، قم ایران: مکتبه بصیرتی.
- صادقی تهرانی محمد، (۱۴۰۶)، الفرقان فی تفسیر القرآن، قم: فرهنگ اسلامی
- صرفی زهرا، (۱۳۹۸)، تبیین انسجام محتوایی سوره لقمان با روش تحلیل محتوای کیفی، فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء، سال ۱۶، بهار، ش ۱
- صیادی نژاد روح الله، حسینی باصری سید کاظم، (۱۳۹۶)، شیعه شناسی، سال ۶، ش ۶۱
- ضرابی رضا، (۱۳۷۹)، نقش و عملکرد مسجد در تربیت، معرفت، شماره ۳۳
- طالقانی، نظرعلی و طیب، مهدی (۱۳۷۳)، کاشف الاسرار، تهران - ایران: رسا
- طاهر زاده اصغر، (بیتا)، ولایت فقیه موافقتها و مخالفتها، اصفهان: گروه فرهنگی المیزان
- طباطبایی محمدحسین، (۱۳۷۲)، ترجمه المیزان، قم: جامعه مدرسین
- طنطاوی محمد سید، (۱۹۹۷)، التفسیر الوسیط للقران الکریم، مصر- قاهره: نهضه
- طیب عبدالحسین، (۱۳۶۹)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: نشر اسلام
- عاملی ابراهیم، (۱۳۶۰)، تفسیر عاملی، تهران: صدوق
- عطار نیشابوری فریدالدین، (۲۰۰۶)، تذکره الاولیاء، تصحیح منال الیمنی، قاهره: الهیئه المصریه
- علامه حلی حسن بن یوسف، (۱۴۲۵-۱۴۲۶)، نهائیه الوصول إلى علم الأصول، سبحانی جعفر و بهادری ابراهیم، قم - ایران: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام

علامه حلی حسن، (۱۳۸۲)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد (قسم الإلهیات)، سبحانی جعفر، نصیر الدین طوسی، قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام
 علائی صمد (۱۳۹۵)، لزوم آینده پژوهی در بازآفرینی نقش مسجد در شهرهای پیرامونی تهران مطالعه موردی اسلامشهر، اولین سمینار آینده پژوهی توسعه ملی ایران در بستر جغرافیا، تهران
 علی بن حسین (ع) امام چهارم، (۱۳۹۲) صحیفه سجادیه امام علی بن الحسین علیهما السلام با ترجمه فارسی، ممدوحی حسن، قم - ایران: بوستان کتاب قم
 عمید زنجانی عباسعلی، (۱۳۹۱)، انقلاب اسلامی ایران، علل و مسائل سیاسی، نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه ها، قم: دفتر نشر معارف

فرهادی راضیه، (۱۴۰۰)، تربیت ولایتی (مبانی، اصول و روشها)، کنکاش، اصفهان
 فقیهی حامد، (۱۳۹۳)، عفاف حسن الحسینی، میقات حج، دوره ۲۳، زمستان، شماره ۹۰
 قرائتی محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن
 قمی عباس (۱۴۱۲)، نفس المهموم، قم: بینا
 کاشانی فتح الله، (بیتا)، منهج الصادقین، تهران: اسلامیه
 کاشفی حسین، (بیتا)، تفسیر حسینی (مواهب علیّه)، ایران - سراوان: نشر نور
 کامل سلیمان، (۱۳۶۳)، مهدی پور علی اکبر، روزگار رهایی، نشر آفاق، تهران، ۱۳۶۳
 کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷)، ترجمه اصول کافی، حسن زاده، صادق، قم - ایران: قائم آل محمد (عج)

ماتریدی محمد، تاویلات اهل السنه، بیضون، بیروت، ۱۴۱۶
 مبلغی احمد، (۱۳۷۵)، فقه مسجد، فرهنگ کوثر، سال پنجم، آذر، ش ۱۱
 مجلسی محمدباقر، بحار الانوار، احیاء التراث العربی، بیروت، بیتا
 محراب بیگی محمد علی، (۱۳۷۶)، مسجد و فرهنگ مردم، هنر، تابستان و پاییز، ش ۳۳
 محمدقاسمی حمید، (۱۳۸۲)، تمثیلات قرآن، قم - ایران: سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه
 محمدی اشتهاردی محمد، (۱۳۸۰)، حکمتهای ده گانه لقمان در قرآن، پاسدار اسلام، ش ۲۳۷
 محمدی ری شهری محمد، (۱۳۸۲)، علم و حکمت، قم: دارالحدیث
 محمدی ری شهری محمد، (۱۳۸۶)، دانشنامه عقاید اسلامی، ج ۴، ترجمه مهدی مهریزی، قم: دارالحدیث، قم
 محمدی ری شهری محمد، (۱۳۸۷)، حکمت نامه پیامبر اعظم، قم: دارالحدیث
 محمدی ری شهری محمد، (۱۳۸۷)، فرهنگنامه مسجد، ترجمه مرتضی خوش نصیب، قم: موسسه دارالحدیث

محمدی ری شهری محمد، (۱۳۸۹)، میزان الحکمه، ترجمه عیضا شیخی، قم: دارالحدیث

- محمدی ری شهری محمد، (۱۴۲۱)، رساله المسجد، ترجمه مرتضی خوش نصیب، قم: دارالحدیث
- محمدی ری شهری محمد، (۱۳۸۲)، علم و حکمت در قرآن و حدیث، مسعودی عبدالهادی و برنجکار رضا، قم - ایران: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث
- محمدی ری شهری محمد، (۱۳۸۸)، حکمت نامه لقمان، قم: دارالحدیث
- محمدی ری شهری محمد، (۱۳۹۱)، دانشنامه قرآن و حدیث، آژیر حمیدرضا، شیخی حمیدرضا و جمعی از پژوهشگران، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث
- مدرسی محمدتقی، قزوینی حائری یاسر، (۱۳۷۶)، احکام شریعت پیرامون حیات طیبه یا زندگانی پاک، تهران: محبان الحسین (علیه السلام)
- مدرسی محمدتقی، (۱۴۱۹)، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، (۱۳۸۲)، فرهنگ موضوعی قرآن، قم: بوستان کتاب
- المسلمی محمد کمال، (۱۴۲۲)، الوظیفه التربویه فی ظل المتغیرات المجتمعیه المعاصره، مجله کلیه التربیه بیور سعید، بیتام، معجم فقه الجواهر، بیروت: مؤسسه دایره المعارف الفقه الاسلامی، الغدیر
- مشکینی اردبیلی، علی، (۱۳۷۴)، اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها، قم - ایران: نشر الهادی
- مطهری مرتضی، (۱۳۸۹)، زندگی جاوید یا حیات اخروی، تهران: صدرا
- مطهری مرتضی، (۱۳۷۹)، یادداشت ها، تهران: صدرا
- مطهری مرتضی، (۱۳۸۴)، جامعه و تاریخ، تهران - ایران: صدرا
- مطهری مرتضی، (۱۳۹۰)، ولاء ها و ولایتها، تهران: صدرا
- مطهری مرتضی، (بدون تاریخ کلام)، عرفان، حکمت عملی، تهران - ایران: صدرا
- مظاهری، حسین، (۱۳۷۷)، در ساحل سپیده اخلاص، مشهد مقدس - ایران: دانشگاه علوم رضوی
- مغنیه محمد جواد، (۱۳۷۹)، امامت علی (ع) در آینه قرآن و عقل، ترجمه اکبر ایرانی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی
- مفید محمد بن محمد، (۱۴۱۴)، سلسله مؤلفات الشیخ المفید، بیروت - لبنان: دار المفید
- مقبل مجیدی عبدالسلام، (۲۰۰۴)، اذهاب الحزن و شفاء الصدر السقیم فی تعلیم النبی، دار القمه، اسکندریه، مصر، طبع اولی
- مکارم شیرازی ناصر، (۱۳۷۷)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب
- مکارم شیرازی ناصر، (۱۳۸۵)، اخلاق اسلامی در نهج البلاغه (خطبه متقین)، خادمی اصفهانی، قم: نسل جوان
- مکارم شیرازی ناصر، (۱۳۸۶)، آیات ولایت در قرآن، قم: نسل جوان
- مکارم شیرازی ناصر، (۱۴۲۱)، الامثال فی تفسیر القرآن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب

- ملاابراهیمی عزت، تاند بایزید، (۱۴۲۲)، الافعال الکلامیه لتعامل المومنین فی القرآن الکریم فی ضوء نظریه تداولیه سوره لقمان نموذجا، بحوث فی اللغه العربیه، جامعه اصفهان، العدد ۲۴
- ملاصدرا صدر الدین شیرازی، (۱۳۶۶)، تفسیر القرآن الکریم، (صدرا)، قم - ایران: بیدار
- ملاصدرا صدرالدین شیرازی، سبزواری هادی بن مهدی، آشتیانی، جلال الدین، (۱۳۶۰)، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، تهران - ایران: مرکز نشر دانشگاهی
- منصوری لاریجانی اسماعیل، (۱۳۷۸)، جلوه های ولایت در آثار امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج
- مهاجرنیا محسن، (۱۳۸۰)، اندیشه سیاسی فارابی، قم: بوستان کتاب
- میرجهانی طباطبایی محمدحسن، (۱۳۹۸)، تفسیر ام الكتاب، تهران: کتابخانه صدر
- میرزاحمدی محمد حسن و رسولی رحیمه، (۱۳۸۹)، تربیت ولایتی؛ اصلیتین مبنای تربیت دینی، اسلام و پژوهش های تربیتی، سال دوم بهار و تابستان، شماره ۱
- میرزایی اصفهانی، (۱۳۷۹)، محمد رضا، مسجد و مردم، فرهنگ کوثر، ش ۴۷
- نقی زاده حسین، (۱۳۸۶)، کارکردهای سیاسی و اجتماعی مسجد، مبلغان، ش ۹۶
- نیک بخش فاطمه، (۱۳۸۹)، برداشتهای تربیتی از سوره لقمان، راه تربیت، زمستان، سال ۵
- هاشمی رفسنجانی اکبر، (۱۳۸۳)، فرهنگ قرآن، قم: بوستان کتاب
- هاشمی رفسنجانی اکبر، (۱۳۸۶)، تفسیر راهنما، قم: مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بوستان کتاب
- همایش بین المللی دکترین مهدویت، (۱۳۸۸)، تهران: موسسه آینده روشن
- همدانی محمدحسین، (۱۴۰۴)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران: لطفی
- رهبر انقلاب، سایت اطلاع رسانی Khamenei.ir
- پرتال جامع امام خمینی imam-khomeini.ir
- Regie stites, China's National Minority Education: Culture, Schooling, and Developmen,
Library of congress cataloging-in-publication, china, Falmer press, Newyork, USA, 1999
- MA Lirong, Middle east studies institute, Journal of middle eastern and Islamic studies (in
Asia) shanghai international university, volum5, 2018

